



کارگران ایران

نشریه ماهانه دفتر هماهنگی شماره ۲ تیر ۱۳۵۸



فهرست

صفحه	عنوان
۱	سرمقاله
۲	درباره سمی تیر
۳	گزارشی از ایریشم کشی رشت
۴	مسئله استقلال ملی
۵	در کورمه‌زخانه‌ها
۸	اولین جلسه دفتر هماهنگی
۸	پای درد دل يك زن زحمتکش
۱۰	درباره سند پیکاهای کارگری
۱۱	گرامی باد خاطره کارگران شهید
۱۲	اخبار و گزارش از شهرسانها
۱۴	کارگران و قانون کار
۱۵	داستان کوتاه
۱۶	خارجی دلش نمیسوزد
۱۹	کارخانه خوابید، کارگران رفتند
	نامه عده‌های از کارگران اخراجی
۲۱	کارخانه پارس‌التريك به همکاران خود
	شورای کارگران کارخانه پلاستیران:
۲۲	مدیریت کارخانه باید تصفیه شود
۲۴	د و آرزو (شعر)
۲۵	بخشهایی از سخنان آقای فروهر
۲۶	ناگاه انفجار... (شعر)
۲۸	زنده باد همبستگی کارگران
۲۸	نیروی عظیم بیکاران رابحرکت درآوریم
۳۰	تاریخ زندگی انسان
۳۱	اخبار بین‌المللی
۳۲	پای صحبت آقای بازرگان
۳۳	با ما همکاری کنید

حرفهای شما درباره شماره اول

دوستان عزیز کارگر

اولین شماره مجله کارگران ایران با اتکاء و همکاری عده‌های از دوستان کارگر با موفقیت انتشار یافت. ولی انتشار اولین شماره مسلماً بدون اشکال و کمبود نبوده است. بعضی اشکالات مثلاً در مورد چاپ و یا بعضی مطالب وجود داشت که ما با توجه به تذکرها و راهنمایی که از جانب بعضی از خوانندگان به ما شد سعی کردیم در این شماره این اشکالات و کمبودها را برطرف کنیم و امید داریم که در این کوشش موفق بوده باشیم.

ما همچنین در کار فروش و پخش نشریه هم با مسائل و نظرات مختلفی از جانب دوستان کارگران مواجهه بودیم که لازم میدانیم آنها را با شما در میان بگذاریم. در مجموع اکثر کارگران با نظر موافق و به گرمی از نشریه ما استقبال کردند. ولی عده معدودی هم بودند که نظر مخالف داشتند. مثلاً در یک مورد یکی میگوید که این نشریه بدرد کارگران نمیخورد و کارگری میگوید چون اسلامی نیست و یا درجائی دیگر کارگری میگوید نباید این نشریه را جلوی کارخانه ما بفروشید از او میپرسند چرا؟ میگوید چون کمونیستی است دوستان ما میگویند برادر تو که هنوز حتی این نشریه را ورق هم نزد های از کجا راجع به آن نظر میدهی. او میگوید از جمله و آرش معلوم است در اینجا دوستان ما سعی میکنند در این مورد به او توضیح بدهند که مثلاً این آرم علامت اتحاد کارگران است ولی بقیه در صفحه ۷

سر مقاله

زمان زیادی نمیگذرد از روزها تیکه دستها را بهم زنجیر می کردیم، شانهمشانه هم میدادیم ویا مستهای تیره کرده و صفهای منظم، خیابانها را به زیر پایهای استوار خود می کوبیدیم و با فریادهای رسا شعار می دادیم: "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"

روزهایی که ما کارگران اعتصاب می کردیم، به پشتیبانی از سایر اعتصابات برمی خاستیم کارخانه ها را تعطیل میکردیم و با فداکاری و جانبازی متحدان برای رسیدن به آزادی و استقلال مبارزه میکردیم، روزها تیکه در پیشاپیش صفهای دوازدهم مردم برای جانبازی پیشقدم بودیم و هزاران تن از برادران و خواهران کارگر ما با نثار خون خود نشان دادند که ما کارگران تصمیم داریم متحدا تا آخرین قطره خون خود را برای نجات میهن و آزادی هم میهنانمان بدهیم و یک لحظه از پای نشینیم.

سرانجام اتحاد محکم ما، اراده استوار و فداکاری و جانبازی بی نظیر برادران و خواهران طبقاتی ما همدوش و متحد با سایر دستجات مردم شمیرات خود را داد و تحت رهبری امام خمینی رژیم میهن فروش و جنایتکار شاه خائن سرنگون شد. انقلاب به اولین پیروزی خود رسید، جمهوری اسلامی برقرار گردید و قدم بقدم اقدامات دیوانگی در راه محکم کردن آن برداشته شد. آیا اکنون دیگر وظایف انقلاب به پایان رسیده و ما هم دیگر نقشی نداریم؟ بهیچوجه، خود ما بعد از پیروزی انقلاب

شعار می دادیم: بعد از رفتن شاه، سوبیا، سرین است. امام خمینی نیز بارها بر خطر امپریالیسم شرق و غرب تأکید کرده و هشدار دادند که باید در برابر هرگونه تجاوز، مداخله، تهدیدات و توطئه هایشان آماده باشیم، خودمان نیز امروزه شاهدیم نه نیروهای ارتجاعی، عمال امپریالیستها بازماندگان رژیم طاغوتی و قدرتهای بزرگ شرق و غرب چگونه به توطئه چینی، فتنه انگیزی و تفرقه افکنی مشغولند و آماده اند که با سوءاستفاده از بعضی اختلاف عقیده های موجود، بعضی ناراحتیها و ناپسندانیهای موجود، به انقلاب ضربه زده و استقلال میهنمان را بخطر اندازند. پس انقلاب هنوز ادامه دارد هنوز به استقلال کامل از نظر سیاسی، اقتصادی نظامی و فرهنگی نرسیده ایم و هنوز امپریالیستهای رنگارنگ، شب و روز در تلاش هستند که بار دیگر سرنویشت ما حاکمشوند تا همچنان ثروتهای میلی و حاصل دسترنج ما کارگران را غارت کنند. بنابراین باید همچنان بازوهایمان را در یکدیگر حلقه کنیم متشکل شویم و نیروهایمان را برای هر نوع پیشامدی و هرگونه خطری در هر لحظه آماده کنیم.

برای متشکل شدن سازمانهای مختلفی وجود دارد. از باشگاههای ورزشی گرفته تا کانونهای فرهنگی و هنری از انجمنهای اسلامی گرفته تا احزاب سیاسی از سندیکا گرفته تا اتحادیه های کارگری همه سازمانهایی هستند که بر اساس هدف و برنامه هایشان آدم می تواند در آنها متشکل شود. سندیکای کارگری یکی از این سازمانهاست که بر اساس صنف یا حرفه های مختلف تشکیل شده و هدفش دفاع از منافع صنفی سیاسی این یا آن صنف مشخص است که

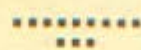
بقیه سرمقاله

هنگامیکه کارگران در آن متشکل شوند آنوقت بعنوان يك سازمان که از پشتیبانی عده زیادی کارگر برخوردار است میتواند هم‌دوش سایر سازمانها، انجمنها، احزاب و دستجات غیر وابسته در دفاع از استقلال میهن نقش بیشتری داشته باشد. ولی این هنوز کافی نیست متشکل شدن در يك سند یکا قدم اولیه است. بدنبال آن باید برای اتحاد تمام این سندیکاها یا شوراهای اقدام نمود تا تمام طبقه کارگر ایران را مانند يك مشت فشرده متحد کرد، آنوقت این نیروی عظیم متشکل و متحد در حد يك سازمان صنفی - سیاسی حتما میتواند نقش بزرگتری در دفاع از انقلاب و استقلال میهن اجرا کند.

برای دفاع از استقلال میهن باید تمام خلق، تمام طبقات ملی، کارگران، دهقانان، کسبه، روحانیون و روشنفکران مرفقی، بازاریان و تجار میهن پرست متحد شوند و تشکیلات سیاسی و صنفی خود را بوجود آورند. ما کارگران باید در این مورد پیشقدم شویم تشکیلات صنفی - سیاسی سراسری خود را بوجود آوریم با سایر طبقات متحد شویم و یکپارچه و متحد به دفاع از استقلال میهن برخیزیم.



درباره سی تیر



ملت ستمدیده ایران که سالها بخاطر آزادی و استقلال ملی مبارزه کرده بود با دشمنان خونخواری چون امپریالیسم انگلیس و رژیم وابسته محمد رضا شاهی روبرو بود، انگلیسیها که در بغارت بردن منابع پر ارزش، بخصوص نفت پول کلانی به جیب میزدند حاضر نبودند ملت ما را بحال خود گذارند، نفت جنوب را زیر چنگالهای شوم خود گرفته بودند و رژیم محمد رضا شاهی را که حافظ منافع آنها بود برای سرکوب مردم تقویت کردند به همین دلیل بود که مبارزه با استبداد و سلطه خارجی در ملی کردن صنعت نفت انعکاس پیدا کرده بود، در پیشبرد این مبارزه مردم رهبری ملی دکتر مصدق را پذیرفته بودند. این مبارزه بالاخره به همت مردم و رهبری دکتر مصدق توانست نفت ما را از چنگال انگلیس در آورده و در ۲۹ خرداد ۱۳۱۱ از شرکت غاصب نفت انگلیس خلع ید نماید. دولت انگلیس که حاضر نبود دست بردارد به مجامع بین المللی مثل شورای امنیت و دادگاه بین المللی لاهه شکایت کرد ولی بالاخره کاری از پیش نبرد مصدق که توانسته بود به خواست بحق مردم جامه عمل بپوشاند دارای محبوبیت زیادی در بین مردم شد و مورد خشم و تنفر رژیم حاکم قرار گرفت. مصدق در ادامه مبارزه با دربار فاسد و امپریالیسم بدست گرفتن پست وزارت جنگ و قدرت نظامی را

بقیه در صفحه ۱۸

گزارشی از ابریشم‌کشی رشت

کارخانه پيله ورد ر شهر رشت واقع است و اکثر کارگران آنرا زنان و دختران تشکیل میدهند که بعضی هابمدت ۳۳ سال در آنجا سابقه کار دارند. شرایط کار در این کارخانه بسیار سخت است، بهتر است آنرا از زبان خود کارگران بشنویم:

۱- خانم بتول پارسای مرتاض

سؤال: شما چند سال است در اینجا کار میکنید؟

جواب: از دوازده سالگی، قبلا در همین نوع ابریشم‌کشی‌ها که سال نوغان درها بود کار میکردم.

سؤال: وضع کار چگونه است؟

جواب: وضع بسیار خراب است. رؤسای کارخانه مدت ۳ سال پدر ما را درآوردند همانهاییکه جرأت نداشتیم يك کلمه با آنها حرف بزنیم رؤسای همه فامیلهای خودشان را می‌آوردند، ما هر چه شکایت میکردیم کسی رسیدگی نمیکرد. مدییر عاملی فعلی هم که فقط وعده میدهد.

سؤال: از دولت چه انتظاری دارید



جواب: جی بگم آقا از موقتی که حقوقها يك ریال ونیم (سی شاهی) بود آن موقعی که آدم نمیدانست چند ساعت در روز کار میکند، از آن موقعی که تاریکی میآید و تاریکی میرفتی نزد يك به ۳۱ سال است.

سؤال: از چند سالگی شروع بکار کردی؟

جواب: باز نشسته شوم با حقوق مکفی و راحت شوم. آنقدر بماند هند که محتاج نامرد نشوم. شرکت يك عالم زمین دارد، باید بین ما تقسیم شود تا در آنجا خانه‌ای برای خودمان بسازیم. اینها این زمینها را می‌خواهند چکار کنند؟ از آن زمان که من در اینجا کار میکنم این زمینها بوده.

من غیر از شوهرم کسی را ندارم آنقدر میخواهم که بخوریم و نمیریم قبل از سال ۱۳۲۶ در حدود ۲۰ سال هم در اداره‌های نوغان کار کرده‌ام. سن من هم الان حدود ۶۵ سال است.

۲- خانم محترم خلعت ده.

سؤال: خانم وضع کار شما، حقوقتان چگونه است؟

جواب: بیش از سی سال است در اینجا کار میکنم. بیمه نداریم مدرکی که نشان بدهد ما سی سال است اینجا کار میکنیم، از پانزده سالگی شروع بکار کرده‌ام قبلا در چهار کارگاه دیگر کار کرده‌ام. حقوق من روزانه ۴ تومان است. تا بحال از این کارخانه لذتی نبرده‌ام فقط مریض شده‌ام و دیگر هیچ. اگر خانه نشین بشم دیگر بدم هیچ چیز نمیخورم. هر سرپرستی که آمده ظلم کرده. اینجا مثل اسطبل است ما در حدود ۸ تا ۹ ساعت در بخار و گرما و محیط مرطوب زندگی میکنیم. ترا بخدا آقا آدم در اینجا میتواند کار بکند؟ در سابق ما تا ساعت ده شب کار میکردیم میگفتند سی خواهند بیایند و ببینند ما نوغان داریم. در حال حاضر ما پایه، گروه، ضربه حقوق، بقیه در صفحه ۱۲

مسئله استقلال ملی

استقلال یکی از مهمترین اصولی است که خلقها برای آن جانفشانی میکنند .

در تمام طول تاریخ هرگاه که بیگانگان متجاوز به ملتی هجوم میآوردند و آنها را اسیر میکردند، مبارزات ملتها برای استقلال و آزادی شروع میشد .

ملتها هیچوقت حاضر نیستند در اسارت و بندگی بسر برند و بخاطر همین است که همیشه ما شاهد جنگهای آزاد پیکار و عادلانه خلقها و ملتها در برابر جنگهای تجاوزکارانه و غیرعادلانه بیگانگان هستیم . در زمانهای گذشته حضور و هجوم استعمارگران و امپریالیستها به ملتها آشکار و بی پرده بود و در کمال بیشرمی ملتها و ممالک دیگر را اشغال میکردند و می گفتند اینجا مستعمره ماست . میگفتند ما میخواهیم اینجا را آباد کنیم . کلمه استعمار و مستعمره هم از همینجا می آید و معنی آباد کردن میدهد . ولی در حقیقت این نقابی بود که امپریالیستها به چهره میزدند تا بدین وسیله هدفهای کیف خود را بپوشانند . امروز هم جهانخواران و ابرقدرتها با نقابهای فریبنده ای مثل دفاع از سوسیالیسم و "دفاع از آزادی" و یا "دفاع از حقوق بشر" به ملتها و خلقهای مستعمره تجاوز میکنند ، و آنها را به خاک و خون میکشند . در این روزها ما شاهد چنین صحنههایی در فلسطین ، لبنان ، افغانستان ، نیکاراگوئه و اریتره هستیم .

قدرت طلبان همیشه نقابهای فریبنده ای به چهره میزنند . ولی خلقها هم همیشه این نقابها را می درند و حقیقت را آشکار میسازند .

در گذشته تجاوز استعمارگران آشکارتر بود و در این

سالهایی که ما در آن زندگی میکنیم این تجاوزها اشکال پوشیده تر و پنهان تری پیدا کرده اند . در اثر مبارزات خلقها و ملتها امپریالیستها و ابرقدرتها مجبور شده اند با حیللهای تازه ای بمیدان بیایند .

بخصوص با سرمایه گذاری مستقیم و یا شریک شدن با افراد بومی شروع به غارت میکنند . و میگویند سرمایه گذاری میکنیم تا صنایع را رشد بدیم . ولی در حقیقت از پیسرفت صنایع ملی کشورهای مستعمره جلوگیری میکنند و مانع از رشد سالم اقتصاد ملی میگردند برای آنکه رقیب نداشته باشند . به این سرمایه گذاریها میگویند " صدور سرمایه " . این سرمایه گذاریها آنست که اولاً منابع ملی خلقها را غارت کنند . مثل : نفت ، مس ، گاز ، آهن ، طلا ، سرب و خیلی چیزهای دیگر . ثانیاً برای آنستکه از کارگران در این کشورها استفاده کنند . مزد کارگران ملل مستعمره بسیار ارزان است و این بخصوص منبع استثمار شدیدی را برای صاحبان سرمایه های امپریالیستی فراهم میآورد . و بالاخره بازاری که ملتهای مستعمره دارند و کالاهائی که میخرند و احتیاج دارند هم یکی از راههای غارت امپریالیستها است .

مثلاً میایند و میگویند ما میخواهیم به شما " کمک " کنیم و به اصطلاح " اعتبار " میدهند . یعنی میگویند شما اعتبار دارید پیش ما که وسیله ، جنس ، اسلحه و یا کارخانه ای را بخرید و ملتها را مجبور میکنند که کالاها و وسایل خودشان را بخرند . اولاً که از این پیکار اصطلاح " کمک ها " بهره میگیرند . ثانیاً اجناس خودشان را گران میفروشند . ثالثاً ما را از لحاظ " فنی " به خودشان وابسته میکنند و وسایل یدکی میفروشند . احتیاجمان را گران میفروشند .

ساعت نزدیک هفت و نیم بعد از ظهر جمعه بود که ما به **مرچین** رسیدیم از دور دیدیم سیاه و لوسی کم رنگی بچشم میخورد از قرار کوره‌ها خاموش بودند. به طرف کوره‌ها میریم باد نسبتاً تنده‌ی میاید طوریکه گرد و خاک و شن‌های نرمو بصورت آدم میپاشد بسزور میشه چشمها، و مدتی واز نگه داشتیم به نزدیک یک ردیف اطاقهای کوچک میرسیم مثل اینکه چند تا قوطی خالی رو کنار هم دراز چسبونده باشن و روشن بزرگ نوشته باشن خونه!

به جز چند تا بچه دو، سه ساله که بزحمت خود شوینو رو خاکها اینور و آنور میکنن و یک زن که سطل آبی بدست داره از کسی خبری نیست سراغ مردها رومیگیریم میکه سرکارن چند صد متر اونطرف تر چند تا کسی را میبینیم که دارن گل لگد میکنن، عدای هم قالب میزنن و یا آجرها رو جا بجا میکنن، جلوتر میریم خدا قوت پدر. سلام برادر. ما فکر نمیکردیم جمعه‌ها اون هم تا این وقت کار کنید خسته نباشید.

بیرمرد که تا زانوش تو گله میکه قریان شما، شما هم خسته نباشید. خوش آمدید بفرمائید. زحمت کشیدید مونده بودیم که چی بگیم از چی شروع کنیم که یکی میاد جلو و میگه حتما اومدین از وضع ما یا خبر بشین بفرمائید ببینید همینه وسط این بیابون ته باد و خاک تو گرما و توسترما این هم کوه خالکهرچی دلتون خواست قالب بزنین از صبح ساعت ۶ میایم تا اونقدر تاریک بشه که دیگه چشممون جائی رو نبینه اونهم چسبی، واسه یک لقمه نون آخه اینهم زندگیه آخه ما هم آدمم دستاشو دراز میکنه و تاواپهای دستهاش رو نشونمون میده، بفرمائید اینهم دستهامون بیرمردی حرف اونو قطع میکنه و میگه آخه کار رو که باید کرد اگه مسا بقیه در صفحه ۶

در کوره پزخانه‌ها

شنیده بودیم که نزدیکای **مرچین** چند تا کوره پزری وجود داره که حدود صد تا کارگر در اونجا کار میکنند تقریباً همه شان اهل دهات خراسون هستند. اغلب اونجا هیچ چیز تود هشان ندارن اونهایی هم کسه زمینی دارن آب ندارن، وسیله کتت ندارن، پول ندارن. . . . برای اینکه مجبورن بیاین شهرها تا شاید بتوانند چند ماهی کار کنند و اگر شد چهار پنج هزار تومانی ورداشته و برگردنند ولایت و بسا هفت هشت تا شکم گرسنه هر جور شده یکسالی راسر کنند.



حقوقشان آنطور که قرار بوده هزاری هفتاد تومن است که اگر خیلی زور بزنند میتوانند روزی ۶۰ تومان مزد بگیرند تازه اگر صاحب کار حق شان را بدهد. سرآغ ساعت کار، بیمه، بهداشت، قانون کار و اینجور چیزها را اینطرف‌ها نگیرند که خبری نیست هر که میخواد بسمه الله و هر که نمیخواد زوری نیست دست علی به همراهش.

پیام تو این بیابون واسه این و اون کار کنم .
 حسین اصغر ثابتی که هم ولایتی علی اصغر میگه
 ۲۲ ساله ۱۰ سال پیش يك سهم زمین داشتیم که
 طاغوت از من گرفت از اون وقت تا حالا یعنی از ۱۲
 سالگی مجبورم پیام اینجور جاها کار کنم تا بتونم خرج
 خواهر و مادرم رو در بیارم ما توده چیکار کنیم ما
 کشاورزیم خونه مون ، زندگیمون ، اونجاست چرا به ما
 زمین نمیدن آب نمیدن برگردیم دنبال کشاورزیمون .
 علی اصغر تو حرفش میاد و میگه زمین چیه ؟ وقتی پول
 نبود ، آب نبود ، تراکتور نبود ، وام دولتی نبود چیکار
 میشه کرد آخه چرا نباید دولت واسه آبادی ما که ۵۰۰



نفر جمعیت داره آب بده برق بده جاده بده . کاظم
 عمارلو هم همین رو میگه ناسلامتی اون به قول دوستاش
 شش کلاس هم سواد خونده اصلا همشون همینو میکنن
 از براتعلی فولادی که تو این یکماه کارد و هزار تومان بد هکاره
 تا قربان حدادی که صاحب کار قبلی اش مهندس شاه
 ولیان هشت هزار تومنش را خورد و تا حالا هم کمیتها اینورو
 اونور دوندنش والا نمبازن وجهش اینجا کار میکنه و چهار
 هزار تومان بد هکاره ، از براتعلی زروکانلو که خرج هشت
 نفر دیگر و هم باید بد گرفته تا اون پیرمرد که داره دست
 نماز میگیره و اون پسر بچه شش هفت ساله ای که بزور يك قالب
 بقیه در صفحه ۱۷

کار نکتیم که دنیا نمیکرد ، آخه بخوایم دستها مونو
 نگاه کنیم که باید همه بخوایم ما که از کار کردن گلهای
 نداریم ، ای بابا چرا اینهارو واسه اینها میگی مگه اینها
 هم کاری واسمون میکنن ؟ راست میگه برادر از دست
 ما کار زیاده برنمیاد ولی حداقل میتونیم با هم حرف
 بزنیم ، درد دل کنیم ، آخه مگه ما نباید بدونیم شما
 چه جور کار میکنید چه طوری اینجا و اونجا زندگی
 میکنین ؟ مگه نباید بغیه هم اینهارو بدونن ؟ آخه
 حالا دیگه وضع فرق میکنه انقلاب شده حداقل میشه
 حرف زد درد دل کرد تا همه بدون برادر اشون
 خواهر اشون چی میکنن چی میخوان وگرنه بعداً میکنن
 ما ندیده بودیم ما نشنیده بودیم ما نمیدونستیم .

۵۰۰۰ راستشو بخوایم آقا ما این همه چون میکنیم
 ولی درست و حسابی پولمون نمیدن هر وقت هم
 میریم میگم حساب ما چی میشه صاحبکوره مگه فعلاً
 نرخ ها معلوم نیست برید از کوره بغلی به پرسین آجر
 هزاری چنده ، اونجا میریم آونا هم همین رو میکنن فعلاً
 معلوم نیست از بغلی پرسین . قلی اشرف پور میگه
 اصلاً اینا همشون با هم دست بیکس هستن . اینها
 زمان طاغوت به هم گزارش میدادن و کارگهارو کنترل
 میکردن ، مثلاً میگفتند آقا اون کارگراوند قبولش نکن
 صد امون هم که درمیومد واسمون زاندارم میآوردن .

علی اصغر که فامیلش رسولیه و اهل کلاته علی مراد
 از دهات نیشابوره میگه ، آقا چی بگم من زن دارم ،
 آستنه اوناها اونجا داره قالب میزنه و تا بچه هم
 دارم خودم خیلی در بیارم روزی ۶۰ تومن اون هم که
 زنه اینجوری معلوم که خیلی کار کنه روزی ۳۰ تومن ،
 دولت آقا ما رو آدم حساب میکنه باید فکرمون هم باشه ،
 آخه چرا باید من که میتونم تو ولایتیم واسه هفت هشت
 نفر دیگه هم معقول بکارم مجبور باشم با زن و بچه ام

بسه حرفهای شما...

او حاضر نیست منطقی باشد و میگوید ما کارگران حوصله بحث نداریم و میگوید مواظب باشید کتک نخورید که در اینموقع تعدادی از کارگران که در ما جمع شده بودند به او میگویند تو اگر نمیخواهی زجر ما خودمان هم سواد داریم و هم عقل که بفهمیم این نشریه بدردمان میخورد یا نه. به هر حال دوستان ما نمیخواهیم بگوئیم نشریه ما اسلام است یا کمونیستی و اصلا این بهتر است یا آن، بلکه بیشتر میخواهیم این را بگوئیم که آیا اینجور برخورد هانست به نشریه‌ای که ما از آن چیزی نمیدانیم درست است یا خیر؟ و اصولا آیا این درست است اگر هم مثلا ما با نشریه مخالف هستیم از پخش آن به این ترتیب جلوگیری کنیم مسلما شما جواب میدهید خیر.

نمونه‌های خوب هم مسلما همه آن کسانی هستند که نشریه ما را خریدند تا بفهمند این نشریه چیست و چه میگوید.

در برخی موارد حتی خود کارگران ما را راهنمایی میکردند که مثلا موقعی که کارگران تعطیل میشوند بهتر است اقدام به پخش و فروش کنیم و یا در خیلی از کارخانه‌ها خود کارگران تعداد زیادی نشریه خریدند و گفتند ما خودمان همه‌اش را به بقیه دوستانمان در کارخانه خواهیم فروخت و ده‌ها نمونه مثبت دیگر از این قبیل.

در مورد قیمت این نشریه هم چند تائی از کارگران خریدند و گفتند قدری گران است ولی در مجموع اکثرا از این بابت ایرادی نداشتند، حتی ما این مسئله را با عده‌ای از دوستان کارگران مثلا در کارخانه پلاستی ران در میان گذاشتیم آنها هم گفتند قیمت آن زیاد نیست.

در مورد اینکه این نشریه و دفتر هماهنگی مال کیست و وابسته به کدام دسته و حزب است هم سئوالاتی از طرف بعضی‌ها شد که ما گرچه در خود نشریه توضیحات مفصلی داده بودیم باز هم میگوئیم که دفتر هماهنگی دفتری است که به همت عده‌ای از کارگران و بعضی از نمایندگان سندیکاها و کارگران مستقلا ایجاد شده است و وابسته به هیچ سازمان و گروهی نیست هدفش هم ایجاد تشکل سراسری میان اتحادیه‌ها و سندیکاها بمنظور احقاق حقوق کارگران در دفاع و پشتیبانی از انقلاب اسلامی میهنمان در چهارچوب سندیکائی و نیز کمک به رشد جنبش کارگری در این مبارزه ضد امپریالیستی بوده و میباشد. بهر حال ما سعی کردیم در این شماره هم بیشتر در مورد اینگونه مسائل توضیح بدهیم. بنابراین ما احتیاج داریم هرچه بیشتر در مورد اینگونه مسائل توضیح بدهیم. بنابراین ما احتیاج داریم هرچه بیشتر در مورد اینگونه مسائل توضیح بدهیم. بنابراین ما احتیاج داریم هرچه بیشتر در مورد اینگونه مسائل توضیح بدهیم. بنابراین ما احتیاج داریم هرچه بیشتر در مورد اینگونه مسائل توضیح بدهیم.

با تشکر، هیئت تحریریه



برادر کارگر احتیاط کن

اولین جلسه دفتر هماهنگی

بنا به دعوت دفتر هماهنگی — جلسه‌ای مشورتی از نمایندگان سندیکاها و شوراهای کارگری کارخانجات تهران و شهرستانها در روزهای ۱۷ و ۱۸ خرداد در محل دفتر هماهنگی برگزار گردید. در این گرد هم آئی نمایندگان راجع به ضرورت اتحاد کارگران سراسر ایران در یک تشکیلات واحد تبادل نظر نموده و همگی خواهان برگزاری جلساتی وسیع از تمام نمایندگان شوراهای و سندیکاها جهت ایجاد اتحادیه واقعه — کارگران ایران شدند. و به دفتر هماهنگی مأموریت دادند که بعنوان یک مرکز ارتباط با سایر سندیکاها و شوراهای تماس برقرار نماید. این جلسه موفق به صدور قطعنامه‌ای شد که در آن رئوس کار و برنامه آینده مشخص شده است. (مراجعه شود به متن قطعنامه که در همین شماره به چاپ رسیده است).

دفتر هماهنگی در اجرای مواد این قطعنامه تا کنون موفق شده است اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- انتشار مجله کارگران ایران

بقیه در صفحه ۹

پای درددل يك زن زحمتکش

(گزارشی از پارس الکتریک)

من معصومه کارگر کارخانه پارس الکتریک هستم و مدت ۷ سال است که در این کارخانه مشغول به کار میباشم و امروز میخواهم با خواهران و برادرانم کمی درد دل کنم و از مشکلاتم بگویم. در خانواده کم درآمدی در جنوب شهر تهران خیابان خزانه فرح آباد در خانه‌ای کوچک و کاهنگی بدنیا آمدم و بعد از من هفت خواهر و برادرم متولد شدند. در حدود هشت یا نه سال داشتم که پدرم که راننده شرکت اتوبوسرانی تهران بود بر اثر معاشرت با دوستان ناباب و عیاش معتاد به تریاک و مشروب شد و همیشه نیمی از شب گذشته به خانه بر میگشت عریضه می‌کشید و سرو صدا براه می‌انداخت و اگر مادرم می‌پرسید "مرد تا اینوقت شب کجا بودی" صدایش بلندتر می‌شد که از کی تا حالا زن اختیار دارم شده؟ منکه دیگر کم‌کم بزرگ می‌شدم با خود فکر میکردم ادامه چنین وضعی برایم غیر ممکن است و واقعا دلم بحال مادرم و خواهران و برادران کوچکترم می‌سوخت که در چنین محیطی بزرگ می‌شوند. و من فکر کردم که حقوق ناچیز پدرم با خرج هنگفتی که دارد فقط کفایت خودش را هم نمی‌کند این بود که درس را کنار گذاشتم و تصمیم گرفتم خودم بسرکار بروم تا کمک خرجی باشم برای خانواده‌ام بخصوص مادرم که من از تمام دنیا بیشتر دوستش دارم این بود که در سن ۱۴ سالگی به کارخانه آمدم و با حقوق ماهی ۲۷۰ تومان استخدام شدم که در آن شرایط واقعا به آن احتیاج داشتم چون دیگر از گرسنه خوابیدن در شب و نان و پنیر ظهر و نیم سیر شدن خسته شده بودم و میدیدم که وقتی مادرم نان بدست گرفته و از در وارد میشود خواهر و برادر کوچکم میدویند و از گوشه نان قاپ می‌زنند دیدن این مناظر چقدر مرا از پا در می‌آورد و حال که در کارخانه این حقوق را می‌گرفتم احساس می‌کردم که صاحب نیمی از ثروت دنیا هستم و آخر برج بیست و سی تومان برمی‌داشتم و بقیه را کامل به مادرم میدادم و در همین حال وضع پدرم هر روز از روز

بقیه اولین جلسه دفتر...

در خدمت تدارک برای ایجاد
اتحادیه سراسری

۲- ارتباط و مذاکره با تعدادی

از شوراهای سندیکاهاى تهران

۳- تعیین نماینده در اکثر

شهرستانهای ایران جهت تماس
با شوراهای و سندیکاهای شهرستانها

۴- تدارک برای برگزاری

کنفرانس وسیع از تمام سندیکاهای

جهت ایجاد اتحادیه سراسری

۵- تهیه طرح پیشنهادی يك

اساسنامه برای اتحادیه سراسری

کارگران ایران

ما در نظر داریم تا اواخر تیرماه

این کنفرانس بزرگ را برگزار کنیم

لذا از شوراهای و سندیکاهایی که

تا کنون موفق به ارتباط با آنها

نشده ایم خواهش میکنم هرچه زودتر

با ما تماس بگیرید تا ترتیب شرکت

آنها در کنفرانس و چگونگی کار داده

شود. همچنین از شوراهای

سندیکاهایی که در جریان امر

هستند میخواهیم تعداد نمایندگان

خود را با معرفی نامه رسمی هرچه

زودتر با اطلاع دهند ما در انتظار

نامه و یا ملاقات شما هستیم،

دستان را به گرمی میفشاریم. همه

نیرویمان را برای برگزاری موفقیت

آمیز این کنفرانس وسیع به کارند ازیم ■



قبل بدتر می شد و دوستانش که در واقع دشمنان واقعی اش بودند يك لحظه راحت نمی گذاشتند تا بتواند آنچه در اطرافش می گذرد کمی فکر کند و اینکه او باید به سرنوشت سه بچه گرو لالاش که از شنیدن و حرف زدن مبرومند بیاندیشد و در فکر معالجه و یا تحصیل آنها باشد و آنها را به مدرسه گرو لالها بفرستد ولی نه پدرم و نه دوستانش به این وضع توجه نداشتند تا اینکه بالاخره در ۲۸ شهریور ۱۳۵۶ پدرم از خانه بیرون رفت و تا ۴ آبان خبری از او نداشتم تمام جاهایی که بفکرمان می رسید جستجو کردیم و همه کلانتری ها را رفتیم ولی هیچکس بدادمان نرسید و آخرش هم مرده اش را از چاه جوانمرد قصاب واقع در جاده آرامگاه پیدا کردند و تا بحال هم خبری از قاتل یا قاتلین پدرم به ما نداده اند چه زمان طاغوت و چه حالا که همه میگویند وضع درست شد. و حالا ما ۸ بچه هستیم که سه تایی آنها گرو لال هستند و يك بچه سه ساله و حقوق روزانه ام ۶۵ تومان است آنها بعد از ۷ سال کار کردن و زحمت کشیدن که به هیچ جایمان نمی رسد اینرا هم بگویم که هیچکس کوچکترین کمکی از نظر مالی و هزینه زندگی به ما نمی کند و ما چشم داشتی هم بدست کسی نداریم و اصلا کمکی هم که از روی ترحم باشد برای من و خانواده ام تفرانگیز است و فقط آرزو دارم که يك روز قاتل پدرم را دستگیر کنند و به مجازات برسانند این خود بهترین کمک است برای ما که لا اقل بدانییم مسبب اینهمه بدبختی برای ما چه کسی بوده.

این نمونه ای از زندگی يك زن کارگر است که با وجود این همه بدبختی و مشکلات با شرافت و سربلندی زحمت می کشد و کار می کند و يك خانواده ۹ نفری را اداره می کند و هزاران نمونه دیگر مانند معصومه وجود دارند که باید به پاس شرافت و رنجهایشان دولت انقلابی به مشکلاتشان توجه جدی نماید تا با امید و اشتیاق بیشتر به سازندگی جامعه و خانواده خود ادامه دهند.

درباره سندیکا های کارگری

این روزها صحبت از سندیکا بین ما کارگران خیلی زیادتر شده . در زمان طاغوت حتی صحبت کردن درباره سندیکاهای مستقل هم ممنوع بود ، چه رسد به اینکه بخواهیم سندیکائی درست کنیم . حالا که ما آزادی بدست آوردیم ، خویست راهبائی پیدا کنیم که این آزادیها را حفظ کنیم . آزادی بدست آوردیم تا در سرنوشت مملکتمان شریک باشیم و اثر بگذاریم خودمان راه زندگیمان را معلوم کنیم و از آن راه برویم مادراینکه در باره مسایل زیادی که بستگی به آزادیمان دارد با هم صحبت خواهیم کرد . ولی حالا در اینجا درباره یکی از آنها یعنی سندیکا با هم حرف میزنیم مادر هر جا ، هر کارخانه و یا هر صنعتی که کار می کنیم تعدادی کارگر هستیم . ما کارگران در آن کارخانه ، یا کارگاه و یا هر رشته و صنعت دیگری که هستیم گرفتاریها و خواسته های مشترکی داریم . این درد های مشترک ، گرفتاریها و خواسته های مشترک را ما میتوانیم به کمک هم حل کنیم یا بدست آوریم . مگر ما کارگران با هم کارخانه ها ، صنایع ، راهها ، جاده ها ، راه آهن ها و ساختمانهای بزرگ را نمی سازیم ؟ مگر این همه پوشاک و غذا و مسایل زندگی و ماشین و همه کالاهائی که در بازار هست تولید نمی کنیم ؟ مگر ما سد های بزرگ را نمی سازیم ، و کوههای بزرگ را با کمک هم از جانی کنیم پس با کمک هم میتوانیم گرفتاریهایمان را حل کنیم در د هایمان را از بین ببریم ، و به خواسته هایمان برسیم یکی از راههای خیلی مهم کمک ما به یکدیگر تشکیلی سندیکا است . سندیکا سازمانی است که ما کارگران تشکیلی میدهم تا وسیله آن از حقوق صنفی و حرفه ای

اقتصادی و سیاسی خود دفاع کنیم ولی بطور عمده ما سندیکا را برای بدست آوردن و نگهداری حقوق حقه مان تشکیل میدهم . مخصوصا در مواقعی که کارفرمایان زورگو بخواهند به ما ظلم کنند . سندیکا سازمان خود ما کارگران است . ما کارگران خودمان باید آنرا بسازیم . نباید به کارفرما یا طرفداران کارفرما اجازه بدیم که در آن دخالت کنند در سندیکاهای ما فقط کارگران باید عضو باشند . مسایل و خواسته های ما کارگران با هم یکی است و بخاطر همین هم به یک سندیکای کارگری احتیاج داریم . همه ما بایستی نمایندگان حقیقی خودمان را انتخاب کنیم و بطور فعال در جریان کار آن فرار بگیریم . شرایط انتخاب کردن نمایندگان باید طوری باشد که هرگاه ما دیدیم آنها وظایف خود را بخوبی انجام نمی دهند بتوانیم آنها را برکنار کنیم . در انتخاب آنها بایستی خیلی دقت نمائیم . باید به اندازه کافی با هم مشورت کنیم و جلسات بگذاریم تا خوب همه چیز را روشن کنیم و خودمان هم از معلومات یکدیگر استفاد ببریم . یک موضوع دیگر که مهم است این است که باید همه مخارج سندیکا از طریق حق عضویت کارگران پرداخت شود و گردانندگان انتخاب شده حد اکثر صرفه جوئی را در مخارج بنمایند . سندیکا همه چیزش باید کارگری باشد و کارگران همیشه باید مواظب باشند و کنترل و نظارت بر کارهای سندیکا داشته باشند و همه باید عضو آن بشوند .

تا بحال روشن شد که سندیکا سازمانی است که ما کارگران تشکیلی می دهیم تا نیروهای پراکنده مان را متحد کنیم و از حقوق صنفی و اقتصادی و سیاسی مان دفاع نمائیم و در بهبود وضع زندگیمان بکوشیم و از ظلم و تعدی

گرامی باد خاطره کارگران شهید



انقلاب بزرگ و پیروزمند ما به بهای قربانیان بی شماری تمام شد، خونهای زیادی جاری شد و از برکت این همه جانبازی و از خود گذشتگی توانستیم باین پیروزی بزرگ نائل شویم. بدون تردید برادران و خواهران کارگرما که در صف مقدم مبارزه قرار داشتند سهم بیشتری در این جانبازی و فداکاری دارند و تعداد بیشتری از آنها شهید شدند. یاد آنها را گرامی داریم و راه برحقشان را ادامه دهیم.

صالح محمدی فرزند صادق علی یکی از کارگران مبارزی است که در جریان انقلاب بشهدات رسید. او در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده زحمتگر متولد شد و با رنج و زحمت موفق شد دیپلم دبیرستان را بگیرد و سپس بعنوان کارگر

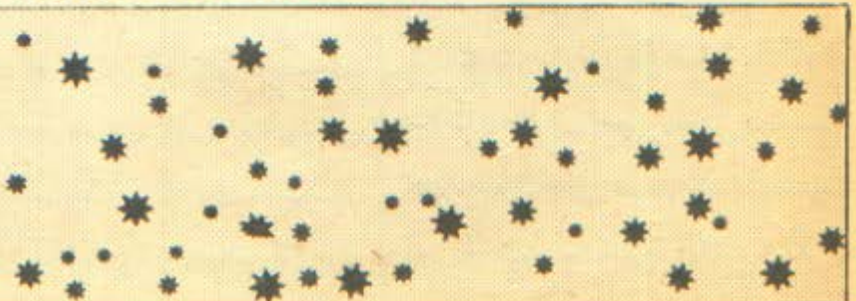
فنی در کارخانه آسانسور سازی اوتیس ایران در قسمت نصب مشغول بکار شد. کارگر شهید صالح محمدی

او در دو سال اخیر در تمام مبارزات فعالانه شرکت میکرد و دارای آگاهی سیاسی و روحیه مبارزه جویانه و انقلابی بود. سرانجام در ۱۱ بهمن ماه هنگامیکه همشهری مردم برای تسخیر کلانتری ۱ نارمک، بارز را میکرد در اثر اصابت گلوله جنایتکاران رژیم شاه خائن به شکم زخمی شد. زن مبارزی او را برای معالجه به خانه خود می برد ولی متأسفانه تمام کوششها به نتیجه نمی رسد و برادر مبارز ما به افتخار شهادت نائل میشود. دو روز بعد جسد وی را به زادگاهش کارادشت رودبارک منتقل و در آنجا دفن می کنند. خاطره عزیزش گرامی باد.

دوستان کارگر

مجله "کارگران ایران" در نظر دارد در هر شماره یکی از کارگران شهید را معرفی نماید جهت تجلیل از همکاران خود، عکس و شرح حال شهدای کارخانه خود را برای ما بفرستید تا به تدریج آنها را در هر شماره معرفی کنیم.

و شما ریح از شهیدانش
هزاران نام را در سینه بسپارد
۰۰۰ و آنگاه ای شهید راه آزادی
تو ای فرزند رزم را ستین خلق
درودی آستین بر عهد و پیمان
شکوهی جاودان بر رزم و ایمانت



اخبار و گزارش از شهرستانها

تهران

کارخانه کابل سازی ایران با ۵۰٪ تعداد ۶۰ نفر از کارگران اخراجی از تاریخ ۴/۴ دست به تحسین زدند، این کارگران اکنون مدتی است که بسرکار خود بازگشته و لسی در محیط کارخانه به آنها کار نمیدهند و ماهیانه ۴۵٪ از حقوقشان کسر میگردد.

خواستههای این کارگران عبارتند از

۱- دریافت حقوق کامل

۲- اجرای شیفت شب

۳- اضافه کاری جهت تأمین

معاش

کارگران شرکت خوردین و شهرک فرحزاد در تاریخ ۲۰/۳/۵۸ پس از تشکیل مجمع عمومی آقای علی ریاحی را به دبیری سندیکا انتخاب کردند. روز بعد کارفرما با قصد برهم زدن این تشکیلات به دبیر سندیکا تهمت دزد خورده و کارت او را میگیرد. ولی کارگران که به نمایندگی خود اعتماد کامل داشتند نسبت به این عمل اعتراض میکنند. به کمیته اوین و وزارت کار شکایت میکنند و بالاخره بدنبال مذاکرات دبیر سندیکا و نماینده وزارت کار

و کارفرما اکثر خواستههای کارگران پذیرفته میشود. بعضی از این خواستهها عبارتند از ۸ ساعت کار روزانه، دریافت حق اولاد، دریافت ۳۵٪ اضافه کار و حداقل دستمزد ۲۸۰ ریال و دریافت حق مسکن برای کسانی که کار نمیکنند.

تبریز

کارکنان تراکتور سازی تبریز پس از اینکه مدتی منتظر اقدام مقامات دولتی ماندند بالاخره در تاریخ ۲۹/۳/۵۸ اقدام به اخراج مدیر عامل کارخانه و معاونان او کردند. و تا روشن شدن وضع شورا اداره کارخانه را بر عهده دارد. طبق آخرین خبر رسیده استانداری آذربایجان شرقی نیز در محل کارخانه حضور یافته و از خواست بحق کارکنان در مورد تصفیه محیط کار از عوامل ضد انقلاب پشتیبانی نموده است.

مبلا کارکنان تراکتور سازی زمدیریت سازمان گسترش صنایع خواسته بودند تا در مورد برکناری مدیر عامل تراکتور سازی که تحت سرپرستی سازمان گسترش قرار دارد قاطعیت به خرج دهد. کارگران

در توضیح این امر نامه سرکشاد های هم به دفتر امام خمینی فرستاد بودند.

آبادان

در تاریخ ۱۳/۳/۵۸ عده ای از رفتگران شهرداری آبادان و حومه برای رسیدگی به خواستههایشان دست از کار کشیده و در محل شهرداری اجتماع کردند. آنها میگفتند در زمان طاغوت قرار بوده ۷۵۰ تومان اضافه حقوق و ۳۰۰ تومان حق مسکن به ما بدهند که تاکنون خبری نشده.

آنها در ادامه اعتصاب بعلمت عدم رسیدگی مسئولین به خواستههایشان به اطاق شهردار حمله کردند که گویا قبلا بسته شده بود و نیز در ساختمان دیگری هم به کارمندی که گویا در دادن حق آنان کارشکنی میکرد نیز حمله بردند.

اولین کنگرانس نانوائیان

آبادان در محل سندیکا برگزار شد. این کنگرانس برای تبادل نظر در برنامه سندیکا و خواستهها کارگران نانوائی این شهر تشکیل گردید در پایان قطعنامه ۲۱ ماده ای که پیرامون بعضی خواستههایشان تهیه شده بود توسط دبیر سندیکا قرائت شد و به تصویب رسید.

موفقیت شورای چوکا

هیئت اجرایی کارکنان صنایع چوب و کاغذ ایران (چوکا) برای روشن شدن مسائلی نظیر راه اندازی مجتمع، تعیین مدیرعامل و ۷۵۰۰ ریال مزایای ثابت، به آقای شاه خلیلی مدیرعامل سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران مراجعه کرده که از پذیرفتن آنها خودداری میشود و هیئت اجرایی از آنجا که نماینده واقعی ۵ هزار کارکنان این مجتمع بوده و در قبال مسائل آنها احساس مسئولیت میکرد از تاریخ ۵۸/۳/۲۶ دست به تحصن زدند که در تاریخ ۵۸/۳/۲۷ با توافق در موارد زیر به تحصن خود پایان دادند:

- ۱- ۴۵۰۰ ریال مزایای ثابت
- ۲- ۲۵٪ حقوق بعنوان حق مسکن (حداقل ۲۶۰۰ ریال و حداکثر ۷۵۰۰ ریال)
- ۳- ازدیاد حق غذا از ۶۰۰ ریال به ۱۵۰۰ ریال

درگیری در ده پورا

در یک درگیری که بین اهالی ده پورا با علی جانی زمیندار بزرگ بر سر تغییر مسیر آب بوجود آمده تن

از نمایندگان روستائیان به تحریک علی جانی دستگیر و به زندان بابل منتقل میشوند. در درگیری بعدی که میان مردان مسلح علی جانی با اهالی وزنان این روستا بوجود میاید و نفر در پیکر اهالی توسط افراد کمیته و ژاندارمری دستگیر و به زندان ساری برده میشوند اهالی ده خواستار آزادی این عده و محاکمه علی جانی میباشند. آنها همچنین سؤال میکنند چرا افراد کمیته و ژاندارمری از زمینداران حمایت میکنند.

سیمان نکا

در تاریخ ۵۸/۳/۱۹ با تحریک منوچهر طیبورچی رئیس کارخانه، پاسداران به کارخانه ریخته و دو نفر از نمایندگان کارگران رابه اسامی کرامتی، رئیس به اتهام کمونیست بودن دستگیر و برای بازرسی به تهران میبرند.

کارگران فردای آنروز به استناد از رفتن و برای آزادی نماینده شان متحصن میشوند. استنادار نیز این عمل را که بدون اطلاع وی صورت گرفته است محکوم و نامه ای به دادستان انقلاب مبنی بر آزاد کردن نمایندگان کارگران میفرستد. همچنین به مدیر

کارخانه اخطار میکند تا رسیدن یک مدیر با ایمان از تهران مواظب اعمال خود باشد.

بقیه گزارش از ابریشم...

طبقه بندی می خواهیم. می خواهیم به ما برسند و ببینند زندگی ما چیست؟

۳- خانم سکینه قیامی:

الان ۳۳ سال است در ایمن خراب شده کار میکنم. انتظارم اینست که بازنشسته شوم من من بیش از ۶۵ سال است ازه (سالگی شروع به کار کرده ام در ابریشم کشی های دیگر. بعلاوه رطوبت زیاد محیط کار روماتیسم دارم. کمر درد دارم، درد پا دارم. در اینجا بیشتر کارگران دارای همین مرضها هستند. محیط کار پهنک ندارد. دستگافه که با آن کار میکنم ۹۰ درجه گرما دارد. (منظور دستگاه ت با جوش است که پمپها را در آن میجوشانند).

۴- خانم زهره علی زاده:

من هم همان درد های همکاران دیگر را دارم. دلم میخواهد بازنشسته شوم. چطور میشود با ۲۸ سال سابقه کار و بیماری درد پا و ناراحتی معده روزی ۹ ساعت بقیه در صفحه ۲۷

کارگران و قانون کار

مسئله بعد از پیروزی انقلاب احتیاج به قانون کار جدیدی داریم، آنهم قانون کاری که از نظر محتوای قانون کار دوره طاغوتی متفاوت بوده و مترقی باشد قانونی که پاسخگوی مناسبات عادلانه بین کارگر و کارفرما باشد و خلاصه قانونی که متأثر از انقلاب بوده و در جهت خدمت به منافع کارگران و کسب حقوق پایمال شده آنها باشد.

قانون کار قدیم که در سال ۱۳۲۸ بتصویب مجلس رسید بعلمت اعمال نفوذ کارفرمایان عملاً روی کاغذ ماند و حتی بعضی از مفاد آن که میتوانست تا حدودی به حال کارگران سودمند باشد اجرا نشد.

چون ماهیت رژیم ضد کارگری بوده و دشمنی آشستی ناپذیر و دیرینه با طبقه کارگر داشت از اینرو قادر نبود حتی قانونی را که خود وضع میکرد اجرایش کند؛ زیرا قبل از هر چیز منافع اش در خطر می افتاد برای همین با شدیدترین وجهی صدای حق طلبانه کارگران را در نطفه خفه میکرد.

برای آگاهی بیشتر چند ماده قانون کار را مورد بررسی قرار میدهم:

در ماده ۲۳ قانون کار، مزد کارگر مرد و زن برای کار مساوی یکسان اعلام شده است اما عملاً میبینیم اینطور نیست چه در کارگاههای بزرگ و چه در کارگاههای کوچک بین دستمزد کارگر زن و مرد اختلاف موجود است و این نابرابری در بعضی جاها به شدیدترین وجهی وجود دارد. و اعتراض کارگران هم در زمان رژیم طاغوت بجائی نرسید و هنوز هم این وضع ادامه دارد ماده دیگر قانون کار میگوید هرکس اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام را به هر عنوان در کارگاههای فرش بافی بسه کار

گمارد به حبس جنحهای از شش ماه تا یکسال و پرداخت غرامت از ۵۰۰ تومان تا ۵۰۰۰ تومان محکوم خواهد شد. و حال این سوال پیش میاید که تصویب این قانون توانسته مانع کار کردن دستهای کوچک و ظریف کودکان در خمه های تنگ و تاریک قالی بافی شود و یا کارفرما را وادار نماید که برای کسب سود بیشتر مرتکب چنین جنایاتی نشود. میبینیم با تصویب این قانون کوچکترین تغییری در وضع قالیبافان خردسال روی نمیدهد. بقول معروف آتش همان آتش و کاسه همان کاسه.

دیگر اینکه ماده ۱۱، کار کارگران را روزی ۸ ساعت و در هفته ۴۸ ساعت تعیین میکند اما از طرف دیگر ۴ ساعت اضافه کاری در روز را مجاز اعلام میکند که خود به خود نقض کنند. ۸ ساعت کار در روز میباشد. چون به علت پائین بودن دستمزدها کارگر مجبور میشود برای تأمین معاش خویش اضافه کاری نماید تا چرخ زندگی بخور و نمیرش بگردد و حتی بعضی از کارفرمایان انجام چهار ساعت اضافه کاری را جزو شرط استخدام اعلام میکنند میبینیم کارفرما با وجود قانون همه چیز را بنفع خود حل میکند و تنها جو حاکم استثمار هرچه بیشتر کارگران در مقابل مزد ناچیز میباشد.

علاوه بر اینها در قانون کار گذشته مواد ضد کارگری به حدی است که نمیتوان تک تک آنها را مورد بررسی قرار داد.

مثلاً ماده ۲۹ اتحادیهها و سازمانهای کارگری را از شرکت در امور سیاسی منع میکند و بدین ترتیب سعی دارد طبقه کارگر هیچگونه فعالیتی در امور سیاسی و اجتماعی نداشته باشد یا اینکه در هیچ جای قانون کار اشاره به حق اعتصاب کارگران نشده است. بقیه در صفحه ۲۰

هم در آشیانه بود دهقان پیر همراه د و فرزند برومند خوش در کنار درخت کهنسال و خشک ایستادند و تصمیم گرفتند که فردای آنروز خودشان با دستان خود درخت را از ریشه بکنند . و قرار را برای فردا گذاشتند حاجی لك لك که این موضوع را شنید رو به بچه های خود کرد و گفت بچه ها ما دیگر فردا در اینجا نخواهیم ماند زیرا فردا این درخت از ریشه کنده خواهد شد و ما باید به فکر آشیانه جدیدی باشیم .



حاجی لك لك به پرواز درآمد و بچه های هم به همراه او به آسمان پرواز نمودند . فردای آنروز دهقان پیر کمر همت را بست و همراه د و پسر خویش شروع به کندن درخت از ریشه نمود . دیری نگذشت که درخت بروی زمین غلطید و زمین زیاد ک برای کشت بدست آمد . خلاصه اینکه اگر دهقان پیر پیشقدم نمیشد و با اتکا به نیروی خود قصد کندن درخت را نمیکرد و هر روز به این و آن حواله میداد شاید درخت هرگز از جا کنده نمیشد .

بنا بر این اگر ما زحمتکشان هم دست در دست هم با اتحاد و همبستگی ، خود نتوانیم مشکلات خود را از سر راهمان برداریم دیگران هرگز نمیتوانند برایمان کاری انجام دهند .

داستان کوتاه

دهقانی بود د و پسر داشت که در قطعه زمین کوچکی به کشاورزی خود مشغول بودند ، در بین زمینشان درخت کهنسالی بود که خشکیده بود . روی این درخت حاجی لك لك با بچه هایش زندگی میکرد .

حاجی لك لك هر روز برای تهیه دانه به پرواز درمیامد و عصرها به آشیانه خود باز میگشت . یکروز که حاجی لك لك برای تهیه دانه رفته بود پیرمرد دهقان باد و پسرش در زیر درخت به صحبت نشست . پیرمرد دهقان رو به پسرانش کرد و گفت که اگر ما این درخت را که هیچگونه منفعتی برای ما ندارد از ته بکنیم میتوان در مقدار زمینی که خالی میشود چیزی کاشت . و بهتر است که شما به پسرعمویتان که اراه هم دارد بگوئید که فردا این کار را بکنند . عصر هنگام که حاجی لك لك به خانه خود بازگشت بچه هایش برایش رقصه کردند که دهقان پیر با پسرانش چنین تصمیمی دارند .

حاجی لك لك رو به فرزندانش کرد و گفت ما فردا هم اینجا خواهیم ماند . فردای آنروز پسر عموها برای بریدن درخت نیامدند و دهقان به پسرانش گفت که به پسرخاله هایتان بگوئید فدا این درخت را از ریشه بکنند . عصر هنگام که حاجی لك لك به آشیانه خود بازگشت بچه ها برایش تعریف کردند که مادر چه نشستی که فردا پسر خاله های دهقان برای کندن درخت می آیند . حاجی لك لك گفت ما باز هم فردا اینجا خواهیم ماند . خلاصه دهقان پیر هر روز کندن درخت را بیکی از نزدیکان خویش واگذار نمود و حاجی لك لك هم به فرزندانش میگفت که ما یکروز دیگر هم در اینجا خواهیم ماند . يك روز بعد از ظهر که حاجی لك لك

چند بار دوش بگیرند.

اگر از نظر سود و زیان مسئله مورد نظر باشد تعطیل همیشگی کارخانه و صرفنظر کردن از سرمایه گذاری انجام شده مسلماً باصرفه‌ترین کار است. ولی در صورت تعطیل کارخانه وضع زندگی ۱۱۸ نفر کارکنان این واحد بخطر می‌افتد.

در حال حاضر یکی از این سه راه ممکن است:

- ۱- کارخانه به همین صورت کار کند و سالی ۲۰ میلیون تومان ضرر بدهد.
- ۲- کارخانه را تغییر شکل بدهند و ضرر سالانه آنرا تا ۱۱ میلیون تومان پائین بیاورند.
- ۳- کارخانه را برای همیشه تعطیل کنند.

◆◆ آیامیدانید که ◆◆

- * طبق آمار سال ۳۵۵ تعداد زنان ایران ۶ میلیون و ۲۲۵ هزار نفر بود است که در حد ۷ میلیون نفر آنها ر شه‌ها و ۹ میلیون نفر در روستاها زندگی میکرد هاند.
- * تعداد زنان شاغل ایران در سال ۳۵۵ در حدود یک میلیون و ۲۰۵ هزار نفر بود است. برای مقایسه بس نیست بدانید که در همین حال تعداد مردان شاغل ۷ میلیون و ۵۸۴ هزار نفر بود است.
- * در حد ۱۱ میلیون زن که بیش از ۶ سال دارند در ایران زندگی میکنند که طبق ودها یر رژیم سابق باید هم آنها با سواد باشند ولی بد نیست بدانید که حد اصل ۸ میلیون نفر آنان از نعمت سواد محرومند.
- * تعداد زنانی که توانسته‌اند تحصیلات دیلم بمبالات داشته باشند در حد ۴۰ هزار نفر است.
- * بیش از صد هزار زن در مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت کار میکنند که در حد ۵۰ هزار نفر آنان کارگراند.

خارجی دیش فیسوزد

تقطیر خشک چوب یکی از چهار واحد تولیدی مجتمع صنایع چوب و کاغذ ایران است که خود وابسته بسنه سازمان گسترش صنایع بود ه و سهامدار اصلی آن دولت میباشد. سیستم این کارخانه از نوع بسیار قدیمی است که توسط بلقارها به ایران تحمیل شده.

سرمایه‌گذاری این کارخانه تا پایان سال ۱۳۵۷ نزدیک به ۶۰ میلیون تومان هزینه برداشته است. طبق پیر پینی‌های انجام شده اگر این کارخانه با ۷۰ درصد ظرفیت هم کار کند سالانه در حد ۲۰ میلیون تومان ضرر خواهد داد. زیرا اولاً کارخانه به هیچ عنوان ایمنی ندارد. نمونه‌اش اینکه از بد و تأسیس دو ماه هم نتوانسته بکارش ادامه دهد و در مدت ۱۵ روز بهره برداری آزمایشی با وجود نظارت کارشناسان بلغار کوره‌ها د و بار منفجر شدند. دستگاه‌های تصفیه آتش گرفتند. بیشتر مجاری تولید محصولات اسیدی ترکیدند و یا مسدود شدند. آلیاژ استفاده شده بسیار نامناسب است بطوریکه در اثر حرارت و فشار مخازن سوراخ میشود و اسید از واشرها و بست‌ها بیرون میزند. زیرا بلغارها برای اینکه کارخانه ارزان تمام بشود بیشتر دستگاهها را از مس ساخته‌اند که در مقابل مواد اسیدی ضعیف است. از طرف دیگر هیچکدام از محصولات این کارخانه در حد استاندارد نیست و قابل مصرف در کارخانه‌های دیگر نمیشد. در این شرکت جمعاً ۱۱۸ نفر کار میکنند که ۹۵ نفرشان کارگر هستند و اغلب در شرایط بسیار سختی مشغول کار میباشند. مثلاً کارگران قسمت کوره هر لحظه در خطر شعله آتش قرار دارند و باید در روز

گذشته باشد • چرا واسه ما جاد نمیکنن؟ و اسمیه بیت نفت
میشه توز مستون لایک متر برف ۹ کیلومتر رفت، ۹ کیلومتر هم
برگشت، ولی آخرش برضها رو مکه همیشه اینجوری برد و آورد؟ خدا
نکنه مستون نحسی اشن بگیره •



ما کند رفقای خید این همه چراها یی و ن جواب براد یدیم
د بگه طاق تیاورد ید و گفتیم همه اش تقصیر طاقت بود،
انشا الله وضع رست میشه • دست آخر گفتیم بهتر محال که
تا اینجا اومدیم یه نگاهی هم دور بریندازیم •

کوره ها اگر چه خاموش بودند ولی هنوز دود میکردند، چندان
تأمید ان با هزارها آجر که کنار هم ردیف شده بودند و
قالیبهائی که هر کدام اگر برپوشند، شش، هفت من وزنشان
بود و تا چشم کار میکرد خاکشند ابد و آسمون که گویا مسال

صاحب کوره بود • ■■■



بقیه مسئله استقلال ملی

یا مثلا در جنبشهای آزاد بخش ملتها در حالت کسره
و در آنها نفوذ میکنند و با توطئه رهبران مستقل آنها
را کنار میزنند و عناصر وابسته به خودشان را در رهبری
قرار میدهند و بتدریج آنها را از لحاظ مالی و اسلحه و
مهمات به خودشان وابسته میکنند و بدین ترتیب
سابقه ملتها را برای استقلال منحرف میسازند •
و یا مثلا میبندند و کارخانه های در مالک تحت مستقیم
میسازند و از کارگران ما که مزدشان ارزان است و
مواد خام و منابع ما که هم نزدیک و هم ارزان است و
حتی از بازار ما سوء استفاده میکنند و به اشکال مختلف
ما را استثمار میکنند •

جهانخواران و امپریالیستها با این روشها بتدریج
همه رگه های حیاتی ملت های ستندیده را به خود
وابسته میکنند و استقلال آنها را از بین میبرند •
خصوصا از این راه دولت هایی که در این مالک هستند
را به خودشان وابسته میکنند و آنها را کنار میزنند •
تا اینجا برای ما این مسئله روشن شد که استقلال
یعنی تکیه بر نیروی خود و از بین بردن نفوذ بیگانگان
در هر شکل و صورتی که وجود داشته باشد •

بقیه کوره پرخانه

آجر رو اینور و اونور میکنه و از اول هم ما رو زیر چشمی می پاد •
اصلا هم قصد تا کارگران این کوره همینو میکنن، چرا د ولت
فکرمانیست؟ چرا کاری نمیکند که بتونیم برگردیم سردها تمون؟
ما برق نخواستیم ولی آب رو که نمیشد بگه، چرا با آب نمیدن
تا ما کشا ورزی کنیم و مجبور نباشیم حتی واسه وضو گرفتن بریم
سرجاد آب بیاریم؟ چرا ما و ام نمیدن یک تراکتور بخیریم تا
مجبور نباشیم موقع خرمن و شخم ۴ روز دنبال تراکتور برگردیم
تا زه وقتی هم که تراکتور گیر آوردیم و پولش بود ادیم از وقتش

بقیه در باره سی تیر

طرح کرد و مستقیماً به دربار اعلام جنگ داد، شاه که نمیتوانست طرح مصدق را بپذیرد آنرا رد کرد و مصدق در ۲ تیر ماه ۱۳۱۱ از مقام نخست وزیری استعفا کرد. بلافاصله شاه قوام را که نوکر خانزاد و سرسپرده انگلیسیها بود به نخست وزیری انتصاب کرد و قوام کابینه قلابی خود را تشکیل داد. مردم که ماهیت قوام را میشناختند به مجرد شنیدن این خبر به مبارزه مجدداً برای برکناری قوام و روی کار آمدن مجدد مصدق دست زدند، زمزمه نارضائی اوج و قدرت گرفت و پهنه میهن به مبارزه بین حق و باطل تبدیل شد. سی تیر سال ۱۳۳۱ روز نبرد نهائی بود، محمد رضای خائن خود را برای کشتاری دیگر آماده میکرد تا نکها و مسلسلها را رنگ و روغن زده در خیابانها بخصوص آنهائی که بطرف مجلس ختم میشد قطار کرده بود، مردم نیز نیروی وجدان، میهن پرستی و ایمان خود را به یساری گرفته بودند، سی تیر طی اعلامیه ای روز اعتصاب عمومی اعلام شده بود، سراسر میهن در طرب داغ مبارزه میسوخت شهرهای کرمانشاه، اصفهان، شیراز، تبریز، قم، آبادان، خرمشهر، اهواز، رشت، قزوین و تهران به صحنه های جنگ تبدیل شده بود، صدای شلیک گلوله گوشهای مردم خوب شهر را می آزد و بوی تند باروت راه نفس کشیدن را بسته بود. شاه خائن دستور شلیک به مردم را داده بود، در تهران سر لشکر علوی مقدم فرماندار نظامی وقت بود و برای خوش خدمتی و سرکوب قیام از هیچ کوششی کوتاهی نمیکرد، گلوله های سرس سینه پیر و جوان را می شکافت و سرنیزه ها خونین بود، مردم یکصد افرا

مصدق، "از جان خود گذشتیم با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق" و با چوب و سنگ و آجر پیشروی میکردند. خونها بر روی آسفالت و سنگ فرش داغ خیابانها مهربخت و دلمه میبست، ۸۰۰ کشته و زخمی هدیه جدید رژیم بود، ولی تلاش رژیم بهبود بود مردم تصمیم خود را گرفته بودند و بالاخره سلاح وطن پرستی ایمان و اتحاد مردم بر آهن قراضه های محمد رضای قلدر پیروز شد، رژیم رو سیاه تر از گذشته عقب نشینی کرد حکومت قوام پنج روز بیشتر دوام پیدا نکرد و در ساعت ۷ بعد از ظهر همان روز سی تیر قوام مجبور به استعفا شد. مصدق مجدداً در نتیجه مبارزات دلیرانه مردم به نخست وزیری انتخاب شد. مردم به خیابانها ریختند و شعار "قوام فراری شده سوار گاری شده" را شادمانه سر دادند و نوید پیروزی را به گوش هم میهنان رساندند.

درس آموزی از شکستها و پیروزیهای گذشته برای بدست آوردن پیروزیهای بزرگتر یک کار مهمی است. سی تیر هم درسهای بیشماری داشت که مردم میهن ما بایدگیری از آن تجربیاتی بدست آورند که انقلاب بزرگ امروزی را به پیروزی رساند.

در گرما گرم مبارزه مردم بسرعت رشد سیاسی کردند و به این درک رسیدند که با دشمن نمیشود سازش کرد راههای مسالمت آمیز و سازشکارانه علاج قطعی کار نیست و باید کار را یکسره کرد و مبارزه را تا سرنگونی رژیم پهلوی این مرکز فساد و لانه جاسوسی اجنبی ادامه داد بقول معروف: یا ما سر خصم را بگویم به سنگ یا او سر ما بدار سازد آونگ.

برای اینکار باید یکپارچه مبارزه کرد.

کارخانه خوابید، کارگران رفتند

میخواهیم چطوری دست زن و بچه‌ام را بگیرم
بیارم اینجا.

حال چند کارگر دیگر را که برای دفترچه بیمه به
اداره آمده بودند پرسیدم.

گفت همه آنها رفتند شهرستان.

بیشتر مزاحمش نشدم ساعت ۷/۵ بود که از او
خدا حافظی کردم.

بقیه در باره سی تیر

در سی تیر مردم از هر صنف و طبقه‌ای برای مبارزه
آماده شده بودند و با هماهنگی قابل ستایشی
ارتجاع را به عقب راندند. کارگران بویژه کارگران
صنعت نفت جنوب در این قیام شرکت موثری داشتند
در این روز تمام کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک
تعطیل شده بود حتی در بعضی از موارد کارگران
از چند روز قبل دست از کار کشیده بودند مثلاً
روز ۲۹ تیر کارگران انبار چای، سازمان برنامه -
جیت سازی تهران - سیلو - کارخانه سیمان تراه‌آهن
و دیگر موسسات، شرکتها و کارخانه‌ها بمدت ۴۸
ساعت اعلام اعتصاب کرده بودند. نقش کارگران
متشکل آنچنان نیروی را بوجود می‌آورد که پشت
همه مرتجعین را به لرزه در می‌آورد. در انقلاب
اسلامی ما نیز کارگران نقش برجسته‌ای داشتند.
وحدت و یکپارچگی ما در ادامه انقلاب و پاک کردن
مملکت از تفاله‌های باقیمانده رژیم طاغوت به ما یار
میدهد که هیچوقت نباید وحدت‌مان را از دست
بدیم تا روز به روز پیروزیهای بیشتری بدست
آوریم.

با کارگری از شرکت اسنو (پودرسازی طوفان) که
برای انجام کارش به اداره آمده بود آشنا شدم
قرار گذاشتم روز جمعه ۴ خرداد با دیگر کارگران
هم شهریش چند ساعتی در هم باشیم. شرکت اسنو
در یارکوی (فرحزاد) واقع شده و در حدود ۱۰۰ نفر
کارگر دارد که اکثراً شهرستانی هستند. صبح جمعه
حدود ساعت ۷ بود که آنجا رسیدم ولی در کارخانه
بسته بود و نشانه‌ای که حاکی از فعالیت کارخانه
باشد به چشم نمی‌خورد، زنگ زدم کارگری در راه باز
کرد جوابی حال دوستم شدم گفت شرکت تعطیل
است گفتم چرا؟ گفت برای اینکه مواد اولیه نداریم
باید آنرا از خارج بیاوریم و حالا هم که وضع مملکت
اینطور مواد اولیه را نمیتوانیم وارد کنیم.

سوال کردم پس تکلیف کارگران چی میشه گفت
مهندس وعده داده و گفته کارگران هم اینجا
بعونند من حقوقشان را پرداخت میکنم اما این
کارگران گرگانی مگه می‌تونند يك جا بند بشند و
چون از پول هم خبری نشد فوراً همه گذاشتند و
رفتند گفتم آخه کارخانه خوابیده برای چی اینجا
بعونند گفت درسته ولی مهندس گفت هر که بـ
شهرستان حقوقش رو بهش نمیدهم.

سوال کردم فکر میکنی چه وقت کارخانه شروع به کار
کند؟

جواب داد دقیقاً نمیدونم شاید سه ماه طول بکشد.
گفتم زن و بچه‌ات اینجا هستند؟

گفت نه نیشابور هستند من الان ۱۵ سال توی این
شرکت کار میکنم شبها هم بیشترمان توی کارخانه

بقیه در باره سندیکا

نسبت به خودمان جلوگیری کنیم.

معمولا برای تشکیل سندیکا کارگران هرکارخانه یا رشته صنعتی در هر جمع میشوند که به آن مجمع عمومی میگویند و در مورد برنامه، اساسنامه، تشکیلات و هدفهای آن با هم مذاکره میکنند. در این موارد معمولا چند نفر را به عنوان هیئتمدیره موقت انتخاب میکنند و به آنها مأموریت میدهند که بروند اساسنامه تهیه کنند و یا مثلا از تجارب سندیکاهای دیگر بیاموزند و خلاصه تحقیق کنند و اطلاعات جمعآوری کنند تا در مجمع عمومی بعد انتخابات کاملی انجام شود و شروع به کار کنند.

مادر شماره های آینده در باره سندیکا و وظایف آن برنامه ها، تشکیلات، هدفها و چگونگی آن با هم بیشتر صحبت خواهیم کرد.

بقیه قانون کار...

که خود نشان دهند ماهیت ضد کارگری رژیم سابق می باشد در صورتیکه اعتصاب حق قانونی کارگران است و باید مجاز اعلام شود.

یا برای اعضای هیئت مدیره بازرسان شرایطی را عنوان می کند که اصلا ضروری بنظر نمی رسد مثلا داشتن ۲ سال سابقه کار و یا داشتن شرایط سنی. این محدودیتهایی است که در حال حاضر هم دست و پا گیر بسیاری از نمایندگان سندیکاها و شوراهای کارگری می باشد.

خلاصه قانون کار جدید باید انعکاسی از خواسته های بحق کارگران باشد کارگرانی که دشادوش سایر طبقات تهرمانانه سینه های خود را در مقابل گلوله سپهر کردند تا توانستند انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند. قانون کار مال کارگران است از اینرو آنها هم باید در نوشتنش شرکت داشته باشند اگر باز مانند گذشته کارفرمایان آنرا بنویسند به اشکال مختلف راه را برای استثمار و اجحاف باز می کنند قانون باید صریح و روشن باشد و هیچ یک از مواد آن در پرده ابهام باقی نماند. و تازه با نوشتن قانون جدید کار بپایان نمی رسد. بدیم که چطور در گذشته بسیاری از قوانین کار اجرا نمی شد روی این اصل علاوه برداشتن قانون کار خوب ضمانت اجرائی آن مطرح می شود تا در صورت نقض آن از طرف کارفرما بتواند بدفاع از آن برخیزد و این تنها توسط تشکلهای کارگری مثل سندیکاها و اتحادیه های واقعی می تواند تحقق یابد و حافظ اجرای دقیق این قوانین در سطح کارگاهها باشد. بدون ضمانت اجرائی بهترین مواد قانونی مفهومی نخواهد داشت.



آیا میدانید...

* اولین اتحادیه کارگری در ایران اتحادیه کارگران مطابع (چاپخانه ها) بید کف اعضای آن از بنیانگذاران جنبش کارگری در ایران بشمار میروند. این کارگران در انقلاب مشروطیت و مبارزه با رژیم قاسد قاجار نیز شرکت داشتند.

* اولین اعتصاب کارگری ایران اعتصاب ۳ کارگاه دباغی در تبریز بود که در تاریخ ۱۶ آبان سال ۱۲۸۷ به مدت ۳ روز انجام گرفت. کارگران در این اعتصاب به بخشی از خواسته های خود دست یافتند و این اولین اعتصاب کارگری بود که فایده اتحادیه را بکارگران شناساند.

نامه عده‌ای از کارگران اخراجی کارخانه پارس الکتریک به همکاران خود

زدند * کارگران کارخانه این موضوع را فراموش نخواهند کرد و کارگرانی هستند که به خوبی از این واقعه آگاهند و همچنین کارگرانی هستند که در سالهای قبل به عنوان مختلف از جمله مازاد بر احتیاج پس از سالها کار و تلاش از کار اخراج و سرگردان مانده‌اند در سال گذشته پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم قهرمان ایران، این کارگران پس از سالها فشار و زور حاکم بر محیط کار و کارگری جهت بدست آوردن شغل از دست رفته خود به شرکت مراجعه نمودند * لیکن عوامل کارفرما با شوراندن تعدادی از کارگران و ایجاد تفرقه بین آنها از مراجعه افراد اخراجی جهت کار جلوگیری بعمل آوردند و تاکنون با مراجعات به تمام سازمانهای مربوطه از جمله مراجعه به خود - حاجی برخوردار پس از چهار ماه دوندگی هنوز نتوانسته‌اند به کار خود بازگردند و همیشه دست نشانندگان کارفرما این کارگران را دست بسر کرد * و حتی به نامه‌های وزارت کار و امور اجتماعی و کمیته‌های بقیه در صفحه ۲۴

خواهران و برادران کارگر

چرا ما کارگران از یکدیگر پشتیبانی نمی‌کنیم؟ این خواست چه کسی است؟ چه کسانی از تفرقه و پراکندگی ما سود می‌برند و چه کسانی ضرر میکنند؟ آیا نباید ما کارگران با هم متحد شویم، همبستگی داشته باشیم تا بتوانیم بر تمام مشکلات پیروز شویم؟ منظور از مشکلات چیست؟

یکی از مشکلات امروز وجود عوامل ارتجاع و دست نشانندگان بیگانگان در بعضی کارخانه‌ها هستند که نمی‌خواهند کارگران به زندگی خودشان سروسامان بدهند و همیشه می‌خواهند کارگران مثل یک برده برای آنها کار کنند و روزی که پیر و فرسوده شدند با پول ناچیزی از کارخانه اخراجشان کنند آنها نمی‌خواهند کارگرانی که متوجه اوضاع و احوال هستند در کارخانه شان کار کنند زیرا آنها کارگرانی را که متوجه حق قانونی خود نیستند آگاه نمیکنند * مثلاً یک نمونه کوچک از کارخانه پارس الکتریک می‌آوریم تا نشان دهیم چه کسانی از کارگران دفاع میکردند و چه کسانی می‌خواستند کارگران در فقر و نادانی باقی بمانند *

در زمان رژیم طاغوتی کارگرانی چون غلامی‌ها و دانی‌سن ۱۵ وعده دیگر که می‌خواستند از حق کارگران و زحماتشان و دستمزدگان دفاع نمایند اما عوامل حاجی برخوردار کارفرمای سودجوی شرکت پارس الکتریک در سال ۱۳۵۵ به کمک ساواک و کلانتری ۸ به جلوی کارخانه پارس الکتریک ریختند و کارگران حق طلب و زحمتکش را زیر باتون گرفته تا جلوی دانشگاه صنعتی شریف (عاری از مهر سابق) با باتون توی سرشان

نتیجه نبودن وسائل حفاظتی

در کارگاه



مدیریت کارخانه باید تصفیه گردد

کارخانه پلاستیکی ایران در جاده قدیم کرج واقع است. این کارخانه شرکت سهامی عام است که سهامدار عمده آن دکتر محمد ظاهری بعد از انقلاب فراری شده است و سهامداران دیگر دکتر علی شرقی و فرهاد حکیم زاده هستند. مدیر عامل آن مهندس کاشانی است که یهودی می باشد و الان در اسرائیل بسر میبرد و با حقوقی که از کارخانه به حسابش میریزند به صهیونیسم خدمت میکند. اکنون کارخانه توسط دست نشاندۀ کارفرما بنام محمد ضرابی اداره میشود.

سهامداران این شرکت صاحب کارخانجات فیلور-رنگ سازی رنگین و یزد باف (دربزد) نیز هستند. اخیراً کارخانه پلاستیکی ران شعبه‌های نیز در شهر صنعتی البرز ایجاد کرده است. این کارخانه ۳۰۰ کارگر و ۴۰ کارمند دارد که کارفرما بطور وحشیانه‌ای آنان را میکشید. کارگران روزی ۱۲ ساعت بدون کمترین استراحتی کار میکردند. فقط هر ۵ روز یکبار یک جمعه را میبایست تعطیل میکردند ولی عملاً این یکروز هم کارگران را بکار میکشیدند و کوچکترین فرصت استراحت حتی برای حمام و نظافت کردن هم بیه

کارگران نمیدادند. در زمان انقلاب و اعتصاب کارخانجات، کارگران را شدیداً ازیر فشار قرار میدادند و تهدید میکردند و مانع از شرکت آنها در اعتصابات میشدند. باین ترتیب عملاً کارگران نتوانستند همدمش سایر خواهران و برادران خود در انقلاب شرکت کنند.

کارگران این کارخانه برای دریافت حقوق خود مبارزات زیادی نمودند و ولی کارفرمایان شدیداً آنها را سرکوب کرده اند. در رسوم بانها سال گذشته کارگران تصمیم به اعتصاب میگیرند. کارفرما در کارخانه رامیند، حسینی و فیروز اعتمادی که "نمایندۀ" قلابی کارگران از طرف کارفرما بودند بکارگزاران حمله کرده و با فحش و تهدید و اخراج چند تن از فعالین آنها را بکار وادار می کنند. کارگران اخراجی را هیچ کارخانه دیگری هم نمی پذیرفت، بالاخره بعد از ۸ روز رنج جفا کارگران، آنها را بسرکار برگرداندند.

تعدادی از کارگران بعلت نبودن وسائل یعنی حفاظت در ماشینها، در چارنقص عضو شدت آنها ایشان شکسته یا قطع شده است. از جمله کارگرانی مانند آقایان اصغر ناد رلو، شعبان عابدینی و فراسیاب سعادت

در چارنقص عضو رهنگام کار شده اند ولی مزد و ران کارفرما برای فسرار از پرداخت غرامت و مخارج مداوم بسیار فاصله ب صحنه سازی پرداخته و ماشینها را طوری ترتیب میدادند که هنگام باز دید نمایند وزارت کار، کسی متوجه نشود که حادثۀ رهنگام کار بود را اثر نبودن حفاظت ماشین بود است.

کارفرما و نمایندگان مزدورشان با کارگران بدترین رفتار را میکردند و کوچکترین امکان استراحت و آسایش بکارگران نمیدادند، حتی آنها اجازه نداشتند یک جعبه زیرپایشان بگذارند. ۱۲ ساعت تمام میبایستی روی پا بایستند در نتیجه خیلی از کارگران در چارواریس هستند، همچنین بعلت آلودگی محیط و سروصدای فوق العاده، کارگران اغلب در چارامراض ریوی و اعصاب نیز میباشند. در این شرایط دستنکارگری که ۱۱ سال سابقه کار داشته ۳۵ تومان بود و از عید امسال ۱۵ تومان اضافه کرده اند که حالاشده ۵۰ تومان بیه و مالیات را بحساب روزی ۱۲ ساعت کار که میگردند ولی سود ویژه را برپایه ۸ ساعت کل دادند. مدیرو تولید کارخانه را به زندان تبدیل کرده بود. کارگر حقوق بقیه در صفحه ۲۳

بسه مدیریت کارخانه ...

نداشت ریش بگذارد. یقمپراهنش
نمیایست باز باشد. در کنار دستگاه
هائی با ۳۰۰ درجه حرارت بایستی
کار میکرد. خلاصه شرایط و وضع کار
طوری است که کارگران میگویند اگر آدم
د رزندان قصر کار کند بهتر از این محیط
است.

زمانیکه کارگران آقای ملک محمدی
را بعنوان نماینده انتخاب کردند،
عوامل کارفرما کوشیدند که بین کارگران
تفاق بیاندازند و به آنها مارک کمونیست
بهائی و ساواکی بودن را بستند، سعی
میکردند کارشکنی کنند ولی از آنجا که
کارگران آگاه شدند بمورد گول حرفهای
ایشان را نخورد و پس از انتخاب نماینده
شورای خود را در وزارت کار به ثبت
رساندند و قدمهای مؤثری این شورا در
جهت خواستههای کارگران برداشته
است. ولی عوامل کارفرما از راههای
مختلف سعی میکنند که شورا را بیبن
کارگران بی اعتبار کنند و وانمود کنند که
نمیتواند کاری برایشان انجام دهد.
سعی میکنند بهر وسیله یکمقد شورا
را منحل کنند. تهدید میکنند که ما می
گذاریم و میریم و کارخانه را تعطیل میکنیم
اما شورا تا بحال توانسته است ساعت
کار را تثبیت کند، ۱۵۰ تومان بحقوق آنها
اضافه کند و کفش ایمنی برای کارگران
تأمین کند. ولی هنوز بسیاری از کارگران

متأهل چون حقوقشان کم است مجبورند
همان ۱۲ ساعت را کار کنند. خیلی از
کارگرها مریض و ناقص العضو هستند
و اکثر با خطر گرفتن و امپکار فرمادهکنند.
مسئله دیگر سهام کارخانه است که در
زمان فروش، کارفرما ومدیران سهام را
بین خودشان تقسیم کردند و بکارگران
هیچ سهمی فروخته نشد. عناصر
مزدوری مثل فیروز اکبری هم هستند که
مرتب توطئهچینی میکنند و به انقلاب و
حتی امام خمینی بد و بیرا میگویند و
تحش میدهند. کارگران و نماینده
گانشان در شورا با خطر رعایت رهنمود
های امام خمینی تا کنون مدارا کرده اند
و مستقلاً اقدامی نکردند و عمدتاً سعی
کردند خواستههای بحق خود را برای
نجات از این شرایط جهنمی از طریق
مراجع قانونی و رسمی با جرأت آورند.
اکنون شورا به نمایندگی از جانب کار
گران خواستار است که:

- ۱- شورا با حق نظارت در مدیریت
کارخانه تولید، فروش و سرمایه گذاری
و سود برسمیت شناخته شود.
- ۲- مدیریت کارخانه هر چه زودتر از
عناصر اخلا لگرو ضد انقلابی تصفیه شود.
- ۳- سهام کارخانه به کارگران فروخته
شود و چگونگی فروش سهام رگدشته
بررسی شود.
- ۴- تعیین ۸ ساعت کار در روز به
حقوق کامل و بالاتر بردن اشل حقوق.

- ۵- پرداخت حقوق عقب افتاده و
مابه التفاوت سود ویژه کارگران.
- ۶- پرداخت حق مسکن کافی به
میزان کارخانههای دیگر (۵۰۰ تومان)
- ۷- تأمین وسائل ایمنی کافی و
حفاظت لازم برای ماشین آلات.
- ۸- رفع تبعیض بین کارگران که بر
اساس همسهریگری از طرف کارفرما
اعمال میشود.

اکنون شورا در نظر دارد با طرح
مسائل با کارگران و توافق جمعی با
همکاری "دفترهما هنگی" و از طریق
مراجع قانونی خواستههای مشخص خود
را رسماً با کارفرما مطرح کرد و بسا دان
مهرت معینی اجرای آنها را بخواهند
در غیر این صورت شورا خود مستقلاً وارد
عمل شد و تا با این خواستهها جامعه عمل
پهوشاند.

دفترهما هنگی با توجه بحقیقت
کارگران و نمایندگان شورا و وضع نا
بسامان کارخانه و کارگران و مشکلات و
ستمهایی که بر آنها میشود، با تمام نیرو
از خواستههای بحق کارگران پلاستیران
پشتیبانی میکند و برای تحقق این
خواستهها تمام امکانات و توانائی خود
را در اختیار برادران و خواهران کارگر
پلاستیران قرار میدهد و مطمئنیم که با
تشریک مساعی و همکاری متقابل می
توانیم این خواستههای بدست را
تأمین کنیم.

بقیه نامه عده ای از کارگران

مربوطه و دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی هیچگونه ترتیب اثری نداد هاند و همچنین این کارگران را که هر کدام دارای چند سرعائله تحت تکفل میباشند با امروز و فردا کردن سرگردان نموده اند با توجه به گفته های بالا روی سخنان با کارگران شاغل است که ندانسته تحت تأثیر این عوامل فرومایه قرار میگیرند این کارگران بایستی بدانند که چنین سرنوشتی روزی در انتظار همه آنها می باشد پس بنابراین بایستی ندانسته تحت تأثیر دست نشاندگان دیروز و امروز کارفرما قرار گیرند زیرا این نوع افراد سودجو و خودفروشنه به فکر کارگران اخراجی هستند نه بفکر کارگران شاغل پس چرا باید با این دسیسه ها همبستگی خود را فراموش کنیم و بین ما که منافع و سرنوشتی مشترک داریم تفرقه ایجاد شود آیا مگر انقلاب اسلامی ایران جز اینستکه حقوق پایمال شده زحمتکشان که درصد آنها کارگران زحمتکش میباشند باید تأمین گردد؟

مگر بارها رهبران انقلاب اسلامی فرمودند که از این پس نباید حقوق زحمتکشان پایمال گردد. ما کارگران چه زن و مرد با توجه به فشارعائی که در مورد همه ما تاکنون از طرف عوامل کارفرما و دست نشاندگان آنها روا گشته بایستی متحد شویم و از حقوق یکدیگر چه در خارج از کارگاه و چه در داخل دفاع نماییم و صفوف خود را در جهت بدست آوردن حقوق حقه خود فشرده تر کنیم و در اینصورت اعتقاد میکنیم که بتوانیم به آینده خود امیدوار باشیم و حتماً با بالا بردن سطح تولید در گرداندن چرخ اقتصاد مملکتمان بیشتر سهم گردیم.

عده ای از کارگران اخراجی پارس الکتریک

دو آرزو

کودکی زرد روی و پژمزرده
چنگ اندر میان جو میگرد
آب و گل را کنار و پس میزد
واندر آن سکه جستجو میکرد
چونکه پولی نیافت اندر جو
بغض آهسته در گلو میگرد
پول نانی به گف نیاردم
کاش بختی به بنده رو میگرد
دختری در میان وان شیر
بدن خویشش شستشو میگرد
بعد با خنده ای به بابایش
خواسته دیگر آرزو میگرد
کاش وانی ز قهوه اینجا بود
بدنم همچو پر قوم میگرد
این دو موجود هر دو انسانند
این چه و آن چه آرزو میگرد

شعرفوق را دوست کارگری تنظیم کرده است.
شما هم اشعار خود را برای ما بفرستید.



بخشهایی از سخنان آقای فروهر

در اجتماع کارگران صنعت نفت آبادان که روز ۲۸ خرداد تشکیل شد آقای داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی بمناسبت سالگرد خلع ید سخنانی ایراد کرد وی ضمن تاکید بر نقش کارگران در انقلاب خطاب به کارگران آبادانی گفت

" ۲۸ سال پیش شهر شما شاهد یکی از بزرگترین درگیریهای مین ما بود پس از ۴۲ سال سلطه‌ی جابرانه‌ی بیگانه به زرچشمه‌های نفت ایران بعد نبال مبارزات پیگیر مردم و به دنبال اعتصابات نه شما مردم آبادان در آن نقش اساسی داشتید سرانجام هیأت مدیره‌ی موقت در خوزستان استقرار یافت و بعد مست توانای کارگران پرچم ایران بر فراز دکل‌های نفت و ساختمانهای صنعت نفت به اهتزاز درآمد ..."

آنروز بسیاری می گفتند ملت ایران قادر نخواهد بود چرخ عظیم نفت را بچرخاند . ولی به همت کارگران کارکنان و مهندسان صنعت نفت ایران این صنعت آسیب پذیر در حد مصرف داخلی به گردش خود ادامه داد و هر بار که در طی گفتگوهای ایران با کشورهای خارجی سخن تجدید صدور نفت شد و هیأتی از پالایشگاه آبادان دیدن کرد ، همه‌ی کارشناسان تصدیق کردند که این صنعت بدون هیچ آسیبی آماده‌ی کار استولی با کمال تأسف آن پیروزی بزرگ در مسلخ سازشهای بین‌المللی قربانی شد .

آقای فروهر با اشاره به دوران خفقان رژیم پهلوی گفت سرانجام ملت ایران تصمیم به پایان دادن به آن وضع ننگین گرفت . وی با یادآوری مبارزات ملت ایران گفت رهبری بزرگمردی که در موضع روحانی سخن گفت

با دل‌های مردم سروکار داشت از میان آنها برخاسته بود و درد آنها را می شناخت و سرسختانه ایستادگی کرد تا بر جنايتها نقطه‌ی پایانی بکشد .

آقای فروهر با اشاره مبه‌مدتی که از پیروزی انقلاب می گذرد گفت انقلاب انجام گرفت و به سلطه‌ی بیگانگان و دست نشانده‌گان پایان داده شد . ایران آزاد و مستقل است دیگر در باره‌ی سرنویشت ما نه درواشتگن نه درلندن و نه در مسکو نمی‌توانند تصمیم بگیرند و این ما هستیم که برای ایران تصمیم می‌گیریم بیا تید قدر این فرصت را داشته باشیم اگر ما در میان این آزادی و استقلال نتوانیم مین ما را آباد کنیم و به مردم رفاه بدهیم انقلاب کاملی نداشته‌ایم . اگر فرار باشد که بهره‌کشی فرد از فرد باقی بماند و گروهی سیر و گروهی در گرسنگی باقی بمانند انقلاب ما به نتیجه‌ی دلخواه نرسیده است این به عهدی انقلاب و دست اندرکاران حکومت است که کوشش کنند تا دیگر گونیهایی لازم بر روابط اقتصادی داده شود که هر ایرانی از یک زندگی آسوده برخوردار باشد ."

آیا میدانید

- ایران تا سال ۱۳۵۲ به کشورهای خارج برنج صادر میکرد . در حال حاضر برنج وارد میکنیم .
- از ۲۰ میلیون هکتار زمین قابل کشت فقط ۸ میلیون هکتار آن کشت میشود .
- ۱۰ سال بعد از اصلاحات ارضی ۸۰ درصد کشاورزان یا اصلا زمین ندارند و یا اگر هم دارند درآمدش آنقدر کم است که به‌اندازه خرج خانواد نمی‌رسد .
- از ۲۶۰۰ روستای منطقه لرستان فقط ۲۲ تا از آنها برق دارد .

فصل اول

ناگاه انفجار

سیلاب سرکش مردم شکست

محدوده های شهر

— این سیل بند خاکی بیداد —

انبوه انتقام خانه خرابان

میران نمود خانه ی استبداد

• خون رنگ سرخ به نهضت مردم داد •

* * *

• قم تشنه بود •

تشنه ی آزادی

برخاست قسم

تا تشنگان سوخته ی دامن کویر

خوناب دل بچکانند ، بر بذر انقلاب

در آسمان قم ، آنگاه ...

غریب رعد تیر

رخسید برق آتش گلوله

بارید رگبار سرب کدازان

از ابر تیره ی استبداد

قم کشته داد

و خاک داغ سینه ی سوزانش را

نم زد ز خون شهیدانش

شکفت هزار شقایق گلگون

روئید انقلاب از خاک و آتش و خون

نوشت به دیوار های شهر ، دست انتقام

قم تشنه مانده است

قم تشنه است هنوز

تشنه ی آزادی

* * *

.....

و آنگه خیال کردند ،

ایران بسته به زنجیر را

آرام کرده اند ،

و انقلاب ایران را

• اعدام کرده اند •

ناگاه ، انفجار ، آشفشان ،

آغاز جروشش است و شورش انسان •

لرزید خارج محدوده های شهر

لبریز شد ز خون و ستم ناسه های صبر

سررفت خشم خلق

• گل داد انقلاب ، بر شاخه های فقر •

هزار حنجره ی اعتراض کشود دهان

هزار نعره ی کین ، برق چشمهای غضبناک

پر کرد کوچه ها و خیابان

هزار هزار هزاران مشت ،

روئید ناکهان ، بردستهای جنگل انسان

انسان فقر

انسان خارج محدوده

انسان نیازمند معیشت

انسان فاقد مسکن ،

برخواست ، حمله کرد و کویید ،

تا حسابهای گذشته را برسد

حسابهای ستم

حسابهای گرانی

حساب بی آبی

حساب خارج محدوده ها و خانه خرابی

دمید از شرق گنبد حوین سید الشهداء
 روئید از پای جرخ و کوره و خرمکوب
 تنید بر طاق مسجد و بازار
 دیدید در حیاط مدرسه و منزل
 چیدید از لوله های نفت
 و ریخت از قلب تیر خورده ای ملت
 ایران باردار
 زامید انقلااب

اوا خربهمن ۱۳۵۶



تبریز ، آشفشان مشتعل خدم ، زنده بود
 تبریز ، شعله های سرکش عصیان خلق را
 تا عرش برده بود .
 تبریز ، تحقیر و خون و شفاوت پنجاه ساله را
 با سیل کینه های گدازان صد هزار
 - نه می جوئید ، می شورید
 جاری بود ، در تلاطم و می توبید -
 انتقام می گرفت .

تبریز هنگامه بود و تنها جم اسنبداد

سرتیزه های ارتش وحشی

در سینه می نشست

و قلب گرم جوانان را

با کینه می درید

تبریز می سوخت در جنایت و میساخت انقلاب
 مغرور استاده بود
 خون می گریست

و قلب پاره پاره ی خود را

در مشت می فشرد
 فریاد می کشید :

تبریز زنده است

چون انقلاب نخواهد مرد
 * * *

آری به خون نشست
 خارج محدوده و قوم و تبریز .

با این خیال که
 انقلاب ایران ، اعدام گشته است .

انقلاب اما
 جوشید از زمین

بارید ز آسمان
 جوانه زد ز ساقه ی گلدسته های خشم

بضیه گزارشی از ابریشم
 دستهایمان در آب جوش باشد
 چرا ما را بازنشسته نمیکنند .
 حقوقم روزی ۴۵ تومان است .
 ۵- خانم عادل فاسمی گوزل و
 (آذربایحانی مقیم گیلان)
 ۲۸ سال است اینجا کار میکنم
 همین دردها درد های مشترک
 ماست . حقوق ما از کسانی که
 تازه استخدام میشوند هم گاهی
 کمتر است . بیمه ای زیاده
 است .
 ۶- خانم موسوی اقدام ،
 حقوقم ۳۷ تومان است . با این
 پول میتوانم زندگی کرد ؟ هیچی
 ندارم . پنج تا از جده هایم
 سرگردانند . کار در اینجا
 سخت و خسته کننده است .



نیروی عظیم بیکاران را بحرکت درآوریم

رژیم فاسد و دست‌نشانده پهلوی طی سالیان دراز حکومت فاشیستی خود ضربات سختی بر بیکر اقتصادی و اجتماعی ایران آورد. تلاش و کوشش پیگیرلازمست تا مشکلات ناشی از رژیم طاغوت بر طرف شود. اصلاحات ارضی که توسط آمریکا طرح‌ریزی و بدست شاه‌خائن انجام گرفت کشاورزی ایران را به نابودی و ورشکستگی کشاند، دهقانان و کشاورزان از فرط درماندگی برای پیدا کردن کار و تأمین معاش روانه شهرها شدند.

ساحبان صنایع بیشتر آنها را با حقوق ناچیزی بکارگمارده و سودهای کلانی که از نیروی کار آنان حاصل میشد بجیب خود و اربابان خارجی‌شان سرازیر کردند. عده‌ای از آنها که نتوانستند کاری پیدا کنند بسیگار فروشی و بلیط فروشی و سایر مشاغل غیر تولیدی پرداختند که نتیجه‌اش مشکلات عظیمی هم برای کشور و هم برای خودشان بوجود آورد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر رهبری امام خمینی و مبارزه قهرمانانه کارگران ایران و فرار سرمایه‌داران وابسته که منجر به تعطیل بسیاری از کارخانه‌ها شد بر مشکلات بیکاری افزوده شد. کارگران که جز نیروی بازوان خود سرمایه‌ای ندارند و خواهان ایجاد کار هستند بعد از تحصن‌ها و مراجعات مکرر به وزارت کار نتوانستند به نتیجه‌ای برسند و روز بروز بر مشکلات معیشتی آنها افزوده شد، سرانجام وزارت کار در مقابل خواست مسر حق کارگران بیکار مسئله وام بیکاری را اول با شرایط سختی پیشنهاد کرد. چون عده‌ای قلیلی را شامل میشد و مشکل همه کارگران بیکار را حل نمیکرد. سرآخر تسهیلاتی فراهم آورد که باز هم چندان نتیجه بخش نبود انتظار کارگران در رابطه با رهنمودهای امام خمینی حاکی از استقلال و عدم وابستگی به بلوکهای شرق و غرب اینست که دولت کارخانجات سرمایه‌داران وابسته را ملی کرده و با بگردش در آوردن چرخ صنایع برای این خیل عظیم بیکاران (که میتوانند با کوشش

زنده باد همبستگی کارگران

کارفرمایان با زیرکی کامل همیشه سعی میکنند منافع خود را حفظ نمایند و پیوسته میکوشند که بین کارگران تفرقه بیندازند و آنها را مقابل یکدیگر قرار دهند و همیشه در این فکر هستند که نگذارند کارگران با هم اجتماع کنند و از چگونگی وضع کارهم باخبر شوند و سعی میکنند در بین کارگران رقابت و دشمنی ایجاد نمایند تا با هم متحد نشوند ولی کارگران با هوشیاری کامل متوجه این واقعیت هستند و در تمام مراحل با یکدیگر متحدند چون به خوبی میدانند که منافع همه آنها در یک چیز است آنها هم هوشیار بودن در مقابل توطئه‌های کارفرما و گرفتن حق واقعی خویش کارگران چون سالها در زیر یک سقف با هم کار میکنند و زحمت میکشند و رنج میبرند و توسط یک کارفرما مورد ظلم و ستم قرار میگیرند و دسترنجشان توسط آنها برد همیشود نه تنها با هم دشمنی ندارند بلکه سرنوشت و منافعشان با هم یکی است.

بقیه در صفحه ۲۹

که تصمیم گرفتند خون اهدا کنند
همین کارگران بودند حال آنکه با
سرپرست چندان رابطه خوبی هم
داشتند بلکه از او ناراضی هم
بودند ولی چون او هم از طرف
کارفرما استنثار میشد زمانیکه مسئله
مرگ و زندگی بمیان آمد همگی به
اتفاق ثابت کردند که انسان تر از
آن هستند که بخواهند بدبها را
بدین ترتیب پاسخ گویند در حالیکه
هیچیک از سرپرستان دیگر و یا
کارمندان بفکر او نبودند .

نمونه برجسته دیگر را در مثال زیر
میتوان دید :

یکی از کارگران که از وضع زندگی
کارگر دیگری با اطلاع بود بشورا
رجوع کرد و خواروبار سه ماهه
خوش را در اختیار شورا گذاشت
که به آن کارگر بدهد تا به
دوست و همکار خود کمک کرده
باشد .

واقعاً این همه انسانیت و همبستگی
بین کارگران قابل ستایش است .
باید این همبستگی ها را عمیق تر
کنیم و از این نمونه های مثبت
یاد بگیریم سعی کنیم در مقابل
توطئه های کارفرمایان اتحاد و
همبستگی خود را هرچه بیشتر
محکم تر و عمیق تر سازیم .

زند باد اتحاد و همبستگی کارگران

خود ایران را از تولیدات خارجی بی نیاز نمایند) ایجاد کار نماید .
همچنین اکثر کارگران روستائی با شور و شوق اظهار میدارند اگر دولت
امکاناتی فراهم آورد ما مایلیم بروستاها برگشته و بکار کشاورزی بپردازیم
و کشور را از نظر تولیدات کشاورزی خود کفا سازیم .

خواست دیگر کارگران اطمینان به تأمین آینده است یعنی کارگران
میخواهند قوانینی وضع شود که اگر کارخانه ای بدلیل تعطیل و کارگران
بیکار شوند بتوانند از صندوق وام بیکاری در حدی که تأمین معاش خود
و خانواده را بنمایند استفاده کنند . وگرنه بیم آن میرود این نیروی
عظیم تولیدی که میتواند در بازسازی اقتصاد کشور سهم ارزنده ای
داشته باشد به هرز کشیده شود . کما اینکه هم اکنون در خیابانها
مشاهده میشود جوانان سالم و نیرومند برای امرار معاش خود و خانواده
به فروش سنگار و بادکنک و اسباب بازی مشغولند .

عمیق کارگران بایکدیگر اشاره می
کنیم .

ایام عید عده ای از کارگران
بایکدیگر به توافق رسیدند که
برای کارگری که دوازده ساعت کار
حقش به حد کافی نیست عیدی
جمع کنند و آنرا طوری بدان شخص
بدهند که او متوجه نشود که کارگران
برایش پول جمع کرده اند بلکه با
حقوق و عیدی به وی بدهند و
بگویند که کارخانه در ازای خوبکار
کردن به شما پاداش داده است !!
و این پول که حداقل به هزار
و دویست تومان میرسید توانست
برایش کمک خرجی باشد .

نمونه دیگری شدن یکی از
سرپرستان بعزت بیماری قلبی در
بیمارستان بود که اولین اشخاصی

بقیه زنده باد همبستگی

در دهانشان هم یکی میباشد و از
این جهت برخلاف تصورات و
کوششهای کارفرما عمیقاً با هم متحد
و هم بسته هستند در میان کارگران
نمونه های عالی از این همبستگی
و کمک همتیانی از یکدیگر وجود
دارد که نشانه ای از روحیات عالی
انسانی است هرگز در میان
سرمایه داران چنین روحیاتی
بچشم نمیخورد ، زیرا کارگران با
وجود اینکه خود وضع مالی خوبی
ندارند واکثراً محتاج و مقروض
هستند ولی در هنگام ضرورت تا
آخرین لقمه نان خود را هم حاضرند
به یکدیگر کمک کنند و حتی از دادن
خون خود هم دریغ ندارند
در زیره چند نمونه از همبستگی

در حدود ۶ تا ۷ هزار سال پیش بشر توانست بنویسد . البته نه مثل امروز ، بلکه آنموقع فقط عکس چیزهای مختلف را روی چوب و سنگ یا خشت نقاشی میکردند و با آن عکسها منظور خود را میرساندند . تا سید چهارصد سال قبل بشر بطور عمده از راه کشاورزی زندگی میکرد ولی بعد از آنکه ماشین آلات مختلف اختراع شد و علوم ترقی یافت اولین کارخانه ها هم درست شدند و فعالیت صنعتی بخش مهمی از زندگی انسان را تشکیل داد .



■ ستون پنجم يك اصطلاح بين المللی است که قبلاً به جاسوسها و عوامل مخفی يك طرف در حال جنگ ، در داخل سپاه یا کشور دشمن گفته می شد .

■ در جهان دو سازمان سیاسی - نظامی بین المللی هست ، یکی زیر عنوان پیمان ناتو که آمریکا و چند کشور ارشائی را شامل می شود و دیگری پیمان ورشو نام دارد که شوروی و چند کشور ارشائی شرقی را در بر می گیرد . تعداد سربازان پیمان ناتو فقط در اروپا ۶۳۰ هزار نفر و پیمان ورشو یک میلیون و ۵۴۵ هزار نفر است .

■ علت جنگ جهانی اول که در سال ۱۹۱۴ (۱۲۹۲ شمسی) شروع شد این بود که کشورهای بزرگ می خواستند کشورهای مستعمره ی جهان را از چنگ هم در بیاورند . علت جنگ جهانی دوم هم که در سال ۱۹۳۹ (۱۳۱۷ شمسی) در گرفت دعوی کشورهای مقتدر بر سر تقسیم مجدد کشورهای جهان بین خودشان بود .

■ جهان سوم به کشورهای گفته می شود که در آسیا ، آفریقا ، و آمریکای لاتین قرار دارند . اغلب این

ایا میدانیید : تاریخ زندگی انسان

■ ۴۵۰۰ میلیون سال از عمر کره زمین میگذرد . در ابتدا زمین بصورت يك توده گاز آتشین بود که از خورشید جدا شده بود . صدها میلیون سال طول کشید تا زمین کم کم سرد شد و بخار آب موجود در هوا بصورت باران بر زمین سرازیر شد و با پر شدن گودهای سطح زمین دریاها و اقیانوسها بوجود آمدند .

در حدود هزار میلیون سال قبل اولین موجودات زنده یعنی گیاهان و جانوران خیلی کوچک در دریاها بوجود آمدند بطوریکه بعد از ۵۰۰ میلیون سال دریا پر بود از انواع گیاهان و حیوانات .

در حدود ۳۰۰ میلیون سال قبل اولین گیاهان و جانوران در خشکی پیدا شدند بطوریکه مثلا در ۵۰ میلیون سال قبل جانوران فراوانی در سراسر کره زمین پراکنده بودند . موجوداتی هم بودند که تا اندازه ای شبیه انسان بودند ولی انسان نبودند .

در حدود يك میلیون سال قبل اولین انسانها که اجداد انسانهای امروزی هستند ظهور کردند . این انسانها بصورت گله های خانوادگی کوچک در غارها زندگی میکردند . در ابتدا فقط از میوه های جنگل تغذیه میکردند ولی بعدا توانستند با سنگ و چوب حیوانات دیگر را شکار کنند . بعضی از این انسانهای ابتدائی وقتی غذا گیرشان نمی آمد بآد مخواری دست میزدند . در حدود يك میلیون سال طول کشید تا این انسان ابتدائی در جریان مبارزه با طبیعت وحشی تکامل پیدا کرد ، صاحب عقل و شعور شد . چیزهای زیادی مثل درست کردن آتش و کشاورزی را یاد گرفت و بالاخره به ریخت انسانهای امروزی در آمد .

اخبار جهان



هندوستان

● ۲۵ هزار کارگر نسا جی جنوب هندوستان از چهارم خرداد دست به اعتصاب زد هاند. این اعتصاب يك چهارم کارخانه های نسا جی هند را فلج کرده است. کارگران اعتصابی ۱۶ خواهش دارند که سه درجه اول اضافه مزدی برابر ۰۰ (روپیه) در ماه است. پلیس از عدم خرداد به تجمع اعتصاب کنندگان حمله میکند و تعداد زیادی از د و طرف زخمی شده اند. اعتصاب هنوز ادامه دارد.

آمریکا

● ۱۷ هزار کارگر کشتی سازی در نیوپورت برای برسمیت شناساندن اتحادیه خود دست به اعتصاب زد هاند. تاکنون بیش از ۱۵ هفته از اعتصاب آنها می گذرد.

کانادا

● ۹ هزار کارگر عضو فدراسیون اتحادیه های آلومینیم سازی کارخانه آلکان در ایالت کویک یک اعتصاب نامحدود را از ۲۳ خرداد آغاز نمود هاند. خواست آنها اضافه مزدی برابر ۰ (تومان) در ساعت و وابسته نمودن افزایش مزد ها به افزایش هزینه زندگی است. این کارخانه آلومینیم سازی که در ردیف بزرگترین تولید کنندگان آلومینیم در جهان است روزانه قریب ۰ (میلیون) تومان سود بدست می آورد.

ایتالیا

● در ۹ فروردین ۲۰۰ هزار کارگر فلز کار شهر میلان برای فشار بر کارفرما در تدارک قرارداد جدید مزد ها، يك اعتصاب یکروزه برپا و تظاهرات نمودند.

پرتغال

● ۲۰۰ هزار کارگر فلز کار و اتومبیل شهر سن پائولو از ۸ فروردین دست به اعتصاب زد هاند. خواست آنها انتخاب نمایندگان واقعی خود و بالا بردن مزد ها بمقدار ۷۷ درصد بود. در طول اعتصاب ۱۶۰۰ کارگر توسط پلیس دستگیر می شوند ولی بالاخره راتر ایستادگی کارگران اعتصاب به پیروزی رسیدن نمایندگان واقعی آنها برسمیت شناخته شدند و مزد ها ۱۲ درصد اضافه شد.

استرالیا

● از ۹ خرداد ۲ هزار کارگر راه آهن در جنوب استرالیا دست به اعتصاب زدند. خواست آنها اضافه حقوق بود که پس از ده روز اعتصاب که طولانی ترین اعتصاب کارگران راه آهن استرالیا از سال ۱۹۶۶ شمسی است به خواسته خود رسیدند.

تانون گذاری یا تصویب قوانین برای مملکت است و در اختیار مجلس است. موقعی که مجلس نباشد (مشکل حالا) قوانین را هیئت دولت یعنی وزیران باریاست نخست وزیر تصویب می کنند. ۲۰ - قوه قضائیه و وظیفه اش نظارت بر اجرای قوانین است و سه دادگستری مربوط می شود. ۳ - قوه مجریه همان دولت است که کلیه امور کشور را اجرا و اداره می کند. این سه قوه نباید در کار هم دخالت کنند.

کشورها دارای منابع طبیعی و مواد خام فراوان هستند که توسط امپریالیست ها غارت می شوند. مجلس مؤسسان نام مجلسی است که گاهی در مواقع لازم برای تغییر قانون اساسی و یا تغییر رژیم تشکیل می شود. این مجلس موقتی است و پس از آنکه کارش تمام شد منحل می شود. نمایندگان مجلس مؤسسان از طریق آراء عمومی ملت انتخاب می شوند. قوای سه گانه عبارتند از ۱ - قوه مقننه که کارش

پای صحبت آقای بازرگان!

آقای بازرگان کارگری است ۶۳ ساله که مدت ۱۴ سال است در یک شرکت کار میکند. نام این شرکت مجتمع طیور برکت میباشد که صاحب آن شخص سرمایه‌داری است بنام کاشانی. در یک بخش این مجتمع بیش از صد نفر کارگر مشغول به کار هستند، پای صحبت بازرگان کارگر سالخورده نشستیم و او برایمان درد دل کرد: «من یک کارگر هستم که بعد از ۱۴ سال کار در اینجا ماهیانه ۱۳۰۰ تومان حقوق می‌گرفتم که سال گذشته ۴۰۰ تومان اضافه شده. کلی هم از حقوقمان کسر میکنند. من ۸ سرعائله دارم با این پول چگونه میتوان زندگی نمود. در حالیکه صاحب کارخانه یک ماشین آخرین مدل برای خانمش یک ماشین برای پسرش و یک ماشین برای پسر دیگرش می‌خرد. ما هر

کاری میکنیم که حق خودمان را بگیریم کارفرما همیشه توطئه میکند و چند عامل خودش را علیه ما تحریک میکند. او میگفت محیط کارخانه بسیار کثیف و کار ما طاقت فرساست. از صبح تا شب با کتافات مرغها و بوی بد آنها سروکار داریم ولی کارفرما هر جوجه را به قیمت ۳ الی ۵ تومان بفروش میرساند. علاوه بر این روزانه در حدود ۲۰ هزار تخم مرغ به بازار می‌فروشد. متأسفانه هنوز ما کارگران آگاهی کافی نداشته و هنوز متحد نیستیم و گرنه میتوانستیم حق خود را از کارفرما بگیریم. او تعریف میکرد که چندی پیش چگونه جلوی کارفرما ایستاده و محکم به تخت سینه او زده، و از حق کارگران دفاع نموده. او نمونه عالی دفاع از کارگران بود. هیچوقت از خودش صحبت نمیکرد. دائماً تکرار می‌نمود که این مرد می‌کند

اینجا کار میکنند باید بهشان توجه شود. چون اکثر از شهرستان آمده‌اند، مثلاً کرمانشاه، کردستان و آذربایجان، در رابطه با نمایندگانشان او گفت ما با هزار زحمت توانستیم یک نماینده انتخاب کنیم. کارفرما و چند نفر بادنجان دور قاب چین‌هایش کلی کارشکنی میکردند. تازه با یک نماینده چند ان کاری از پیش نمی‌رود. باید تعدادی کارگر جمع شوند و یک سندیکا یا شورائی درست کنند. در آخر او گفت؛ وقتی نگاهم به جمال آقا خمینی می‌افتد روحم شاد می‌شود و دلم می‌خواد همه زورگویان نیست و نابود شوند. چونکه امام خمینی و آقای مهندس بازرگان از وضع ما خبر ندارند و حتی نمی‌دانند که بعضی از این کمیتها با آمدن به دفتر کارفرما و خوردن چای و شربت چگونه در گرفتن حقوق ما کارشکنی میکنند.

بقیه با ما همکاری کنید *

غیر اینصورت اینهمه مسائل و کار میماند و ما، مائی که گفتیم اگر شما کمکمان نکنید از عهده همه این کارها بر نخواهیم آمد و خلاصه اینکه بعد از ما گله نکنید. آدرس ما و شماره تلفن ما در اختیاست

شماست با ما تماس بگیرید برایمان چیز بفرستید به دفترمان بپایید و ما را باری کنید ما مشتاقانه منتظر شما و مطالب شما هستیم و دستهای توانای پستان را برادرانه می‌بخشیم.

***** هیئت تحریریه *****

با ما همکاری کنید

خواهران و برادران کارگر

ما خیلی روراست از همان شماره اول با شما در میان گذاشتیم که نمیتوانیم به تنهایی بدون کمکهای شما در استان یک نشریه خوب، کامل و متنوع را برای شما و همه کارگران ایران تهیه و منتشر کنیم. چرا؟

چون راستش را بخواهید گرچه همت و پشتکار دوستان و همکاران ما زیاد است ولی نیرویمان کافی نیست و ما احتیاج به نیروی تک تک شما داریم. یک مثال بزنیم ببینید اگر مثلا ما بخواهیم یک گزارش از وضع کارگران ایران تهیه کنیم احتیاج داریم که به کارخانه‌های مختلف از نزدیک سر بزنیم با وجودیکه میدانیم بیشتر از ۵ میلیون کارگر در گوشه و کنار ایران و در کارخانه‌های مختلف وجود دارد آیا بعقیده شما ما به تنهایی و با این نیروی کم میتوانیم یک گزارش کامل که منعکس کننده وضع همه کارگران ایران باشد تهیه کنیم. مسلما جواب شما هم نه میباشد. آیا فکر نمیکنید اگر خود شما در هر کجا که کار میکنید از وضع کار و زندگی‌تان حتما چند خط هم چیز تهیه کرده و برای ما بفرستید و ما اینها را جمع و جور کرده و یک مقاله تهیه کنیم این مقاله بهتر و کاملتر خواهد بود؟ مسلما اینجا هم خواهید گفت بله.

خب حالا که هر دو موافق هستیم این جور بهتره چرا معطل کنیم و مشکلات مون را با هم حل نکنیم ببینید همین الان ما برای اینکه مجله مون بیشتر از این مطالب خوب و متنوع در زمینه‌های مختلف هنری مثل شعر، داستان، طرح عکس و کاریکاتور و با اطلاعات مختلف مثل خبر، گزارش، اطلاعات عمومی

و حرفه‌ای و غیره داشته باشد به شما نیازمندیم که از این جور چیزها تهیه و برای ما بفرستید ما مطمئن هستیم خیلی از شما در استان کارگر در این زمینه‌ها استعداد دارید و شاید هم کار میکنید پس چه بهتر که در این رابطه با مجله خودتان همکاری کنید شاید بعضی از شما هم بگوئید ای بابا ما که تا حالا از این جور کارها نکرده ایم در جوابتان میگوئیم اولاً هیچکس تا حالا مادرزادی نویسنده، هنرمند، و یا عکاس نبوده است، مثلاً مگر ما قبلاً اینکاره بوده‌ایم شما هم باید امتحان کنید اصلاً همین حالا فکر کنید و مثلاً از زندگی خودتان و یا دوستانتان کارگرتان و مبارزاتتان در انقلاب و کارخانه و خیلی چیزهای دیگر یک شرح حال و یا داستان تهیه کنید یا مثلاً با دوستانتان در کارخانه صحبت کنید و درد دل‌هایشان را گوش کنید و بنویسید و برای ما بفرستید، یا حتی میتوانید مثلاً از وضع کارخانه خودتان از تعداد کارگرانش، تولیدش، میزان دستمزدها و این جور چیزها یک صفحه‌ای بنویسید و همراه چند عکس بعنوان یک گزارش زنده و جالب برای ما بفرستید، حتی اگر میخواهید همین امشب چند طرح و کاریکاتور بکشید و برای ما بفرستید، حتی میتوانید اگر دلتان خواست بیاثبتید و در زمینه‌های دیگر مثلاً تاپ نوشته‌ها صفحه‌بندی مطالب، تصحیح مقالات، کارهای فنی مثل چاپ و غیره ما کمک کنید مطمئن باشید ما برای شما کارهای زیادی داریم حتماً اینکار را بکنید چون در بقیه در صفحه ۲۲



گوشه های از تظاهرات کشتاورزان خراسان

۲۰ ربیع

آدرس: خیابان تخت جمشید پلاک ۱۴۳ طبقه اول دفتر هماهنگی

تلفن ۶۶۲۲۷۹